

متفکران مسلمان و شناسایی تمدن اسلامی

حسن حضرتی*

سید امیر حسن دهقانی**

چکیده

این خلدون نخستین فردی است که در مقدمه به بحث درباره تمدن پرداخت، اما سخنی از تمدن اسلامی به میان نیاورد. به نظر می‌رسد نخستین بار متفکران اروپایی بودند که در دوره معاصر، پس از درک مفهوم تمدن و سخن گفتن از تمدن اروپایی، به بحث از تمدن اسلامی نیز پرداختند. در اینجا این مسئله مطرح می‌شود که متفکران مسلمان از چه زمانی به تمدن اسلامی توجه کردند و در پی شناسایی آن برآمدند؟ پژوهش حاضر با مطالعه آثار نگاشته شده متفکران مسلمان درباره تمدن و تمدن اسلامی، به این نتیجه رسیده است که متفکران مسلمان - به موازات طرح مباحثی درباره تمدن و آغاز تاریخ نگاری تمدن در غرب - از دهه چهارم تا دهه هفتم قرن نوزدهم به تمدن کهن اسلامی توجه و درک اجمالی از آن پیدا کرده‌اند و از دهه هشتم این قرن با نگرش آثاری جدی درباره تمدن اسلامی، به شناسایی گسترده آن پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی

تمدن، تمدن اسلامی، تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی.

hazrati@ut.ac.ir

amirhasansd@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۷

*. دانشیار دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۷

طرح مسئله

اگرچه ابن خلدون^۱ نخستین فردی است که در مقدمه به بحث درباره تمدن پرداخت، سخنی از تمدن اسلامی به میان نیاورد. بحث ابن خلدون در مقدمه، درباره تحول جامعه از مرحله بادیه‌نشینی به شهرنشینی و سپس رسیدن به درجه مدنیت و تمدن است. او از برخی شهرهای اسلامی که به مرحله تمدن رسیده‌اند نام برده، اما نامی از تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان به میان نیاورده است. به نظر می‌رسد نخستین بار این متفکران اروپایی هستند که در دوره معاصر، پس از درک مفهوم تمدن و سخن گفتن از تمدن اروپایی، به تمدن اسلامی نیز توجه کرده‌اند. فرانسوا گیزو^۲ در اثر مهم خود، *تاریخ عمومی تمدن در اروپا*، که ۱۸۲۸ م. منتشر کرد، جزء نخستین کسانی است که عبارت تمدن مسلمانان را به کار برده است.^۳ در طی دهه‌های بعد قرن نوزدهم، متفکران فرانسوی بودند که بیش از سایر متفکران غربی به تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان توجه کردند. در اثر این توجه، در ۱۸۸۴ م. و تقریباً به‌طور هم‌زمان دو اثر قابل توجه در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی به زبان فرانسه منتشر شد: *تمدن اسلامی*^۴ نوشته استانیسلاس گویارد^۵ و *تمدن اعراب*^۶ نوشته گوستاو لوبون.^۷ ظاهراً این دو کتاب، نخستین آثار جدی در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی هستند. پس از انتشار این دو کتاب، متفکران عرب‌زبان و مسیحی شام و مصر نیز که ارتباطات فکری و فرهنگی ویژه‌ای با متفکران فرانسوی داشتند، دست به نگارش دو اثر در زمینه تمدن اسلامی زدند. در ۱۸۸۸ م. جمیل نخله المدور،^۸ کتاب *حضارة الإسلام فی دارالسلام*^۹ و طی سال‌های ۱۹۰۱ م. تا ۱۹۰۶ م. جرجی زیدان^{۱۰} مجموعه پنج جلدی *تاریخ تمدن اسلامی* را زیر چاپ بردند. در اینجا این مسئله مطرح می‌شود که متفکران مسلمان از چه زمانی به تمدن اسلامی توجه کردند و به شناسایی آن پرداختند؟

۱. ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون خَضْرَمِي، تاریخ‌نگار و مردم‌شناس تونسسی، متولد ۷۳۲ ق (۱۳۲۲ م) و متوفی در ۸۰۸ ق. (۱۴۰۶ م)

۲. François Guizot، مورخ و دولتمرد فرانسوی (۱۸۷۴ - ۱۷۸۷ م).

۳. Guizot، *Histoire de la civilisation en France*، p 18.

۴. Guyard، Stanislas، *La civilisation musulmane*، PARIS: LIBRAIRE DE LA SOCIÉTÉ ASIATIQUE، 1884.

۵. Stanislas Guyard، خاورشناس فرانسوی (۱۸۸۴ - ۱۸۴۶ م).

۶. Le Bon، Gustave، *La Civilisation des Arabes*، Paris، Librairie Firmin Didot، 1884.

۷. Gustave Le Bon، فیلسوف، مورخ و جامعه‌شناس فرانسوی (۱۹۳۱ - ۱۸۴۱ م).

۸. جمیل نخله المدور، یکی از اعضای خاندان مشهور المدور (۱۹۰۷ - ۱۸۶۲ م).

۹. جمیل نخله المدور، *حضارة الإسلام فی دارالسلام*، قاهره، مطبعة المويد، ۱۹۰۵ م.

۱۰. جرجی زیدان، نویسنده و روزنامه‌نگار لبنانی (۱۹۱۴ - ۱۸۶۱ م).

متأسفانه به‌رغم آثار متعددی که درباره تمدن اسلامی نگاشته شده، مطالعه در باب تمدن‌پژوهی متفکران مسلمان چندان رونقی نیافته و آثار درخوری در این باب پدید نیامده است. در نتیجه، مسئله پژوهش حاضر نیز - چه به‌عنوان پرسش اصلی و چه به‌عنوان پرسش فرعی - در هیچ اثری مورد توجه قرار نگرفته و تاکنون تصویری مبهم از چگونگی شکل‌گیری درک تمدن اسلامی و پدید آمدن هویت تمدنی در میان مسلمانان وجود داشته است.

تَمَدُنْ در زبان فارسی

تمدن در زبان فارسی واژه‌ای است برگرفته از زبان عربی که در این زبان چنین معنا شده است: «اخلاق شهرنشینان را پیدا کرد، به اخلاق مردم شهرنشین خوی گرفت.»^۱ تمدن در زبان فارسی، معنای نسبتاً مشابهی یافته است. لغت‌نامه دهخدا در ذیل معنای تمدن چنین نوشته است: «در شهر بود - باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه»، «اقامت کردن در شهر»، «شهرنشینی». فرهنگ معین، تمدن را «شهرنشین شدن» معنا کرده است و فرهنگ عمید «شهرنشین شدن» و «خوی شهری گزیدن و به اخلاق مردم شهر آشنا شدن».^۲

در متون کهن فارسی، تمدن عموماً در معنای لغوی آن به کار برده شده، اما از دوره ناصرالدین شاه به بعد به تدریج کاربرد تمدن در معنای لغوی آن منسوخ شده است. در این دوره از واژه تمدن برای بیان پیشرفت و ترقی کشورهای اروپایی و همچنین به‌عنوان معادلی برای واژه فرانسوی civilization استفاده شد و تمدن به تدریج معنای اصلاحی امروزی خود را یافت، چنان‌که سید جمال‌الدین اسدآبادی^۳ در برخی از مکتوبات خود از تمدن و دول معظمه متمدنه استفاده کرده است.^۴ همچنین میرزافتحعلی آخوندزاده^۵ در کنار استفاده از واژه سیویلیزاسیون واژه تمدن را نیز به‌عنوان

۱. لوئیس، المنجد، ج ۲، ص ۱۷۶۶.

۲. ر.ک: لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین و فرهنگ عمید، ذیل واژه «تمدن».

۳. سید جمال‌الدین اسدآبادی، اندیشمند و متفکر مسلمان (۱۸۹۷ - ۱۸۳۸ م).

۴. به‌عنوان نمونه سید جمال در رساله نیچریه سه بار از کلمه «تمدن» و یک بار از کلمه «امم متمدنه» استفاده کرده است. یا در نامه‌ای که در آذر ۱۲۶۰ (دسامبر ۱۸۸۱ م) با عنوان «مسئول اوضاع ایران کیست؟» خطاب به «حاجستان داغستانی» نوشته، دو بار عبارت «دول معظمه متمدنه» به کار برده است. (ر.ک: اسدآبادی، «اسناد تاریخی تازه از سید جمال‌الدین اسدآبادی: یک نامه کم نظیر و جامع»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۶، ص ۵۰ - ۴۹)

۵. میرزافتحعلی آخوندزاده، نمایشنامه‌نویس و روشنفکر ایرانی دوره قاجار متولد ۱۱۹۱ (۱۸۱۲ م) و متوفی در ۱۲۵۷ (۱۸۷۸ م).

معادل آن در نوشته‌های خود به کار برده است.^۱ یا محمدحسن خان صنیع الدوله^۲ در کتاب *چهل سال تاریخ ایران* در موارد زیادی از واژه تمدن استفاده کرده است.^۳

در کنار رایج شدن واژه تمدن در معنای جدید در متون گوناگون فارسی، متفکران ایرانی دست به کار تعریف اصطلاحی تمدن نیز شده‌اند، چنان که آخوندزاده تمدن را چنین تعریف کرده است:

نتیجه ترقی را درین روزگار سیویلزاسیون می‌نامند. سیویلزاسیون لفظ عمومی است که در ضمن آن جمیع صنایع و فنون و اقتدار دولتی و آسایش ملتی و امثال اینها، از انواع و اقسام شروط مدنیت، مندرج و مفهوم است.^۴

علی‌اکبر دهخدا^۵ در معنای اصطلاحی تمدن چنین آورده است:

تخلقی به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت.

علی شریعتی^۶ نیز تمدن را چنین تعریف کرده است: تمدن به معنای کلی، عبارت است از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی در جامعه انسانی. شریعتی در کنار این تعریف به رابطه تمدن و شهرنشینی هم اشاره کرده و معتقد است انسان متمدن وارد مرحله شهرنشینی شده است.^۷

- حضاره در زبان عربی

در زبان عربی «الحضاره» یا «الحضاره» واژه‌ای است برساخته از ریشه «حَضَرَ» به معنای «ساکن روستا یا شهر شد». در واقع در بطن حَضَرَ سکونت در شهر و روستا قرار دارد و این ویژگی در برابر سکونت در بادیه و بیابان قرار گرفته است. این ویژگی به واژگانی که از ریشه حَضَرَ ساخته شده‌اند

۱. ر.ک: آخوندزاده، مقالات، ص ۱۹۶.
۲. محمدحسن خان صنیع الدوله، ملقب به اعتمادالسلطنه، از رجال دربار ناصرالدین شاه متولد ۱۲۲۲ (۱۸۲۳ م) و متوفی در ۱۲۷۵ (۱۸۹۶ م)
۳. صنیع‌الدوله، محمدحسن خان، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار)*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.
۴. آخوندزاده، مقالات، ص ۹۳.
۵. علی‌اکبر دهخدا، ادیب و شاعر ایرانی و بنیان‌گذار لغت‌نامه دهخدا. متولد ۱۲۵۷ (۱۸۷۸ م) و متوفی در ۱۳۳۴ (۱۹۵۶ م).
۶. علی شریعتی، متفکر و جامعه‌شناس ایرانی متولد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ م) و متوفی در ۱۳۵۶ (۱۹۷۷ م)
۷. شریعتی، *تاریخ تمدن*، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۱.

منتقل شده، چنان که «الحَضْر» چنین معنا شده است: «شهر و روستا و جاهای پر آب و علف، برخلاف بادیه و بیابان» و یا «الحاضر» به معنای کسی است که «در شهر یا در روستا یا در منطق پر آب و علف زندگی می‌کند، برخلاف چادرنشین» و سرانجام «الحضارة» یا «الحضارة» به معنای شهرنشینی و ساختمان‌نشینی است.^۱ بدین ترتیب حضاره در زبان عربی، معنایی بسیار نزدیک به تمدن دارد و به همین دلیل در موارد متعددی به جای یکدیگر به کار گرفته شده‌اند.

در آغاز دوره جدید در قرن نوزدهم، متفکران عرب در اثر تماس با جهان اروپایی و مطالعه آثار اروپایی برای ترجمه واژه فرانسوی «civilization» بیشتر از واژه تمدن استفاده می‌کردند. رفاعه رافع الطهطاوی^۲ یکی از نخستین متفکران عربی است که واژه تمدن را در معنای جدید در کتاب *تلخیص الإبریز فی تلخیص باریز* مورد استفاده قرار داد.^۳ همچنین خیرالدین التونسی^۴ در مقدمه اثر مشهور خویش، *أقوم المسالك فی معرفة أحوال الممالک*، چندین بار از واژه تمدن استفاده کرد و از اطوار تمدن اروپاوی سخن به میان آورد.^۵ حنین نعمه الله الخوری^۶ عنوان *التحفة الادبية فی تاریخ تمدن الدول الاورباویة*^۷ را برای ترجمه‌ای که از کتاب معروف گیزو با عنوان *تاریخ عمومی تمدن در اروپا* کرد، برگزید و برای معادل عربی «civilization» از واژه تمدن استفاده کرد. اثر شناخته شده دیگری که در اوایل قرن بیستم از سوی متفکران عرب منتشر شد، مجموعه پنج جلدی *تاریخ التمدن الإسلامی* جرجی زیدان بود که در عنوان و مباحث این مجموعه از واژه تمدن استفاده شده است.

به تدریج از دهه‌های پایانی قرن نوزدهم شاهد به کارگیری واژه حضاره در متون عربی هستیم. شاید دلیل این اتفاق توجه متفکران اروپایی به ابن‌خلدون و مقدمه در طی قرن نوزدهم و در پی آن توجه اعراب به وی باشد. به عنوان نمونه در کتاب *بساط العقیق فی حضارة القیروان وشاعرها ابن‌الرشیق* که در ۱۸۸۰ م. در قاهره منتشر شد، واژه حضاره دیده می‌شود. یا در ۱۸۸۸ م. که *حضارة الإسلام فی دارالسلام* توسط جمیل نخله المدور نگاشته شد، به خوبی بازگشت واژه حضاره را با معنای

۱. معلوف، المنجد، ج ۱، ص ۲۹۷.

۲. رفاعه رافع الطهطاوی، اندیشمند و متفکر مصری متولد ۱۲۱۶ ق (۱۸۰۱ م) و متوفی در ۱۲۹۰ ق (۱۸۷۳ م).

۳. الطهطاوی، *تلخیص الإبریز فی تلخیص باریز*، ص ۱۴.

۴. خیرالدین التونسی، اندیشمند و سیاست‌مدار تونس متولد ۱۲۳۵ ق (۱۸۲۰ م) و متوفی در ۱۳۰۷ ق (۱۸۹۰ م).

۵. التونسی، *أقوم المسالك فی معرفة أحوال الممالک*، ص ۵۱ - ۳۰.

۶. حنین نعمه الله الخوری، یکی از چهره‌های خانواده سرشناس الخوری.

۷. فرانسوا گیزو، *التحفة الادبية فی تاریخ تمدن الدول الاورباویة*، ترجمه حنین خوری، اسکندریه، مطبعة الازهرام، ۱۸۷۷ م.

ابن خلدونی آن به دایره واژگان عربی را به تصویر کشید. در طی قرن بیستم، واژه حضاره در معنای اصلاحی آن در متون عربی کاربرد زیادی یافت.

اما متفکران عربی در طی قرن نوزدهم و بیستم در کنار بحث‌های گوناگونی که درباره تمدن داشتند، تعاریف گوناگونی نیز از تمدن ارائه کردند. یکی از نخستین آنها تعریف طهطاوی بود. به عقیده طهطاوی، جوامع متمدن، جوامعی هستند که صاحب عمران، صناعات، علوم، راه‌های تجاری، وسایل حمل‌کننده اشیای سنگین و کشتی‌ها هستند.^۱

ابوالاعلی مودودی^۲ تمدن را مجموعه‌ای از پنج عنصر «تصور زندگی در دنیا»، «هدف زندگی»، «عقیده بنیادین»، «تربیت فردی» و «نظام اجتماعی» و هدف آن را آن چیزی شمرده که آگاهانه یا ناآگاهانه به طور مشترک و به صورت اجتماعی نصب العین جمع‌کننده از انسان‌ها قرار گرفته است.^۳ همچنین مالک بن نبی^۴ در تعریف تمدن چنین نوشته است: «تمدن، مجموع عوامل معنوی و مادی است که بسترهای اجتماعی لازم برای تکامل همه اعضای جامعه را فراهم می‌سازد».^۵

عبدالله ناصح علوان^۶ هم تمدن را چنین تعریف کرده است:

تمدن دستاوردهای انسان مدنی و اجتماعی با ویژگی‌های فکری، روحی، وجدانی و رفتاری است برای تحقق بخشیدن به اهداف جامعه و هر آنچه که این جامعه برای پیشرفت خود می‌پسندد و به آن نیاز دارند.

عبدالله ناصح علوان این دستاوردها را به دو دسته تقسیم کرده است: ۱. دستاوردهای مادی که شامل صنعت، تجارت، زراعت، اختراع و فنون می‌شود، ۲. دستاوردهای معنوی که شامل ارزش‌های معنوی، قواعد اخلاقی، تولیدات فکری و ادبی می‌شود.^۷

Civilization در زبان لاتین

Civilization در زبان انگلیسی و Civilisation در زبان فرانسوی بر ساخته از واژه لاتین

۱. الطهطاوی، تخلص الإبریز فی تلخیص باریز، ص ۱۴.
۲. سید ابوالاعلی مودودی، اندیشمند پاکستانی و مؤسس جماعت اسلامی پاکستان متولد ۱۳۲۱ ق (۱۹۰۳ م) و متوفی در ۱۳۹۹ ق (۱۹۷۹ م).
۳. سلامی، اندیشه‌های اسلامی در سخنان امام ابوالاعلی مودودی، ص ۳۲.
۴. مالک بن نبی، اندیشمند الجزایری متولد ۱۳۲۳ ق (۱۹۰۵ م) و متوفی در ۱۳۹۳ ق (۱۹۷۳ م).
۵. مالک بن نبی، مشکله الافکار فی العالم الاسلامی، ص ۴۲.
۶. عبدالله ناصح علوان، متفکر و اندیشمند سوری متولد ۱۳۴۶ ق (۱۹۲۸ م) و متوفی در ۱۴۰۸ ق (۱۹۸۷ م).
۷. علوان، معالم الحضارة فی الإسلام وأثرها فی النهضة الأورپی، ص ۳.

Civis هستند. در عهد باستان واژه Civis به افرادی تعلق می‌گرفت که در یک مکان بیش از مکان‌های دیگر زندگی و سکونت می‌کردند. این مکان می‌توانست خانه، دهکده یا مکان‌هایی مثل اینها باشد، به همین جهت در متون باستان Civis در معنای خانه و دهکده هم به کار رفته است.^۱ در قرون وسطی در متون حقوقی واژه Civis از این واژه ساخته شد^۲ و در ادامه برای نامیدن درک تازه‌ای از یک پدیده عظیم و پیچیده اجتماع انسانی به نام تمدن هم به کار رفت.

اما بیشتر تعاریف متفکران غربی در باب تمدن مربوط به قرن بیستم است. اسوالد اسپنگلر^۳ معتقد بود هر فرهنگی تمدن ویژه خود را می‌سازد و تمدن سرنوشت اجتناب‌ناپذیر فرهنگ است. به زعم اسپنگلر فرهنگ چیزهایی در حال تبدیل شدن^۴ و تمدن چیزی تبدیل شده^۵ است.^۶

آرنولد جی. توین بی^۷ تعریف دیگری از تمدن ارائه کرد. وی تمدن را زمینه‌ای برای مطالعه تاریخ شمرد که از حیث زمانی و مکانی دامنه‌ای وسیع‌تر از دولت ملی، دولت شهر، شهر یا هر مجموعه سیاسی دیگر دارد.^۸

به عقیده ویل دورانت^۹ تمدن، عبارت از نظمی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. به عقیده وی در تمدن، چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارتند از: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی و سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر.^{۱۰}

نوربرت الیاس^{۱۱} تمدن را مبین یک آرمان خیالی دانست و معتقد بود هیچ جامعه‌ای در جهان وجود ندارد که بتوان گفت به وضعیت تمدن رسیده است، بلکه معیارهای مشخص و ملموسی وجود دارد که می‌توان با استفاده از آنها نشان داد برخی جوامع، از پاره‌ای جهات، نسبت به

1. Flanagan, *First Nations Second Thoughts*, p 28.

۲. ر.ک: به معنای واژه civil در سایت رسمی دیکشنری آکسفورد: oxforddictionaries.com/definition/english/civil.

۳. Oswald Spengler: فیلسوف آلمانی، متولد ۱۸۸۰ م و متوفی در ۱۹۳۶ م.

4. Things- Becoming.

5. Thing- Become.

6. Spengler, *The decline of the west*, p. 31.

۷. Arnold Joseph Toynbee: سیاست‌مدار و مورخ انگلیسی، متولد ۱۸۸۹ م و متوفی در ۱۹۷۵ م.

8. Toynbee, *A Study of History*, p 44.

۹. Will Durant: فیلسوف و مورخ آمریکایی، متولد ۱۸۸۵ م و متوفی در ۱۹۸۱ م.

۱۰. دورانت، *تاریخ تمدن*، ج ۱، ص ۳.

۱۱. Norbert Elias: جامعه شناس آلمانی، متولد ۱۸۹۷ م و متوفی در ۱۹۹۰ م.

قبل متمدن تر شده‌اند. در واقع جوامع به جای رسیدن به وضعیت تمدن در فرایند متمدن شدن قرار دارند.^۱

- تمدن در پژوهش حاضر

برآیند اکثر تعاریفی که برای تمدن ارائه شده، توجه به شهر و دستاوردهای انسانی است. باید توجه داشت که هر تمدنی دستاوردهای خاص خود را پدید آورده است که این دستاوردها از یک سو، ریشه در مبانی بنیادین فکری جامعه متمدن و به تعبیر دیگر، جهان‌بینی جامعه متمدن دارد و از سوی دیگر متناسب با شرایط زیست جغرافیایی و اجتماعی جامعه متمدن پدید آمده است. با توجه به این نکات، تمدن در پژوهش حاضر چنین تعریف می‌شود: تمدن وضعیت جامعه‌ای است که به مرحله شهرنشینی رسیده و بر مبنای جهان‌بینی و شرایط زیست جغرافیایی و اجتماعی خود، دستاوردهای ویژه‌ای را که شامل ابزارها، ساختارها و هنرهای گوناگون می‌شود، پدید آورده است.

آغاز توجه متفکران مسلمان به تمدن اسلامی

از زمان نگارش مقدمه در ۱۳۷۷ م. (۷۵۷ ق) تا دهه چهارم قرن نوزدهم میلادی، اثری در میان مسلمانان که اشاره‌ای به مفهوم تمدن کرده باشد، دیده نشده است. هرچند مسلمانان در مواجهه با تمدن جدید غرب، متوجه قدرت جدید اروپا و پیشرفت‌های علمی و صنعتی آن شده بودند، این توجه به معنای درک تمدنی از غرب نیست. به نظر می‌رسد نگارش تاریخ عمومی تمدن در اروپا توسط گیزو در ۱۸۲۸ م. تأثیر مهمی در درک تمدن در میان متفکران مسلمان و همچنین آغاز طرح مباحثی درباره تمدن اسلامی در میان آنها داشته است. زمانی که گیزو این اثر را در پاریس منتشر کرد، طهطاوی در فرانسه حضور داشت. وی پس بازگشت از فرانسه، تخلص *الابریز فی تلخیص باریز* را در ۱۲۵۰ ق (۱۸۳۴ م) منتشر کرد. تخلص *الابریز*، یکی از نخستین آثار متفکران مسلمان است که به مفهوم تمدن توجه کرده است. طهطاوی در این کتاب پس از تعریفی که از جوامع متمدن ارائه کرد، از جوامعی چون مصر، شام، یمن، رم، عجم، آفرنج و مغرب به‌عنوان جوامع متمدن نام برد، اما اشاره‌ای به تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان نکرد.^۲ با این وجود وی بحث کوتاهی درباره تمدن دوره خلفای عباسی به‌ویژه در دوره مأمون و دوره خلفای اندلس به‌ویژه عبدالرحمن الناصر و رشد

۱. الیاس، «تکنیک و تمدن»، مجله ارغنون، ش ۱۳، ص ۲۱۲ - ۲۱۱.

۲. الطهطاوی، تخلص *الابریز فی تلخیص باریز*، ص ۱۵.

علم و صنعت در این دوره‌ها ارائه کرد^۱ که نشان می‌دهد به درکی اجمالی از تمدن اسلامی در دوره‌های مذکور رسیده بود.

در نیمه اول قرن نوزدهم، اثر دیگری که از درک تمدنی متفکران مسلمان به‌ویژه درک از تمدن اسلامی حکایت کند، دیده نشده است. در نیمه دوم این قرن، کتاب *اقوم المسالک فی معرفة أحوال الممالک* که در ۱۲۸۴ ق (۱۸۶۷ م) توسط تونسی منتشر شد، جلب توجه می‌کند. تونسی در مقدمه *اقوم المسالک*، به بیان ویژگی‌های دوران اوج و شکوه امت اسلامی و پیشرفت‌های مسلمانان در علوم و صناعات و همچنین ثروت و قدرت ممالک اسلامی پرداخت.^۲ او در این مقدمه، برای نخستین‌بار از تمدن عرب نام برد و از آن به‌عنوان تمدنی یاد کرد که «تزدیک بود نور آن چشم‌ها را برآید».^۳

در این دوره برخلاف اشارات کوتاهی که در آثار دو روشنفکر متقدم عرب درباره تمدن اسلامی برجای مانده است، در آثار روشنفکران متقدم ایرانی چون میرزا ملکم خان، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و عبدالرحیم طالبوف عباراتی که حکایت از توجهشان به تمدن کهن اسلامی بکند، دیده نشده است. روشنفکران متقدم ایرانی عموماً از انحطاط جامعه ایرانی و ترقی و تمدن جامعه اروپایی سخن بر زبان راندند و به جای اشاره به جلوه‌های تمدن اسلامی، تمدن ایران باستان را به مخاطبان خود یادآور می‌شدند. در میان روشنفکران متقدم ایرانی، سید جمال به‌عنوان چهره‌ای که رنگ و بوی اسلامی بیشتری داشت، از اشارات گوناگونی که به عظمت مسلمانان در دوران گذشته و انحطاط فعلی آنها کرد و تلاش و همتی که برای اتحاد مسلمانان و احیای عظمت آنها داشت، نشان داد که به درکی اجمالی از تمدن اسلامی و قدرت و عظمت مسلمانان در آن دوره رسیده است.

پیشتازی مسلمانان شبه قاره در شناسایی تمدن اسلامی

شاید تعجب‌آور باشد که پررنگ‌ترین نگاه به تمدن اسلامی در روشنفکران مسلمان متقدم در شبه قاره و در میان آثار سید امیرعلی هندی^۴ دیده شود. فصل پایانی *زندگی و تعالیم محمد* که پیش از بازگشت وی از انگلیس به هند در ۱۸۷۳ م. در لندن منتشر شد، فصلی در وصف تمدن اسلامی و تأثیر آن بر شکل‌گیری تمدن جدید اروپایی است. امیرعلی، در این فصل از روش‌های آموزشی و تربیتی، هنر و درام،

۱. همان، ص ۱۶.

۲. تونسی، *اقوام المسالک فی معرفة احوال الممالک*، ش ۵۵۱۱ / ۶۸۶، ص ۳۲ - ۲۸.

۳. همان، ص ۲۹ - ۲۸.

۴. سید امیرعلی هندی، اندیشمند و متفکر مسلمان هندی، متولد ۱۸۴۹ م (۱۲۸۰ ق) و متوفی در ۱۹۲۸ م (۱۳۴۷ ق).

علوم فیزیکی و عقل‌گرایی مسلمانان در دوره تمدن اسلامی نوشت و تلاش کرد چگونگی انتقال این عقل‌گرایی به اروپا و تأثیر آن را بر شکل‌گیری تمدن جدید اروپایی شرح دهد.^۱ امیرعلی همچنین در مشهورترین اثرش که با عنوان *روح اسلام* در ۱۸۹۱ م. در کلکته منتشر کرد، در این زمینه بیشتر نوشت. او به تشریح عصر طلایی مسلمانان در دوران اوج خلفای عباسی، فاطمی و خلفای اموی اندلس پرداخت،^۲ از مواجهه اروپایی‌های وحشی با شکوه و عظمت تمدن اسلامی در شرق در طی جنگ‌های صلیبی سخن گفت^۳ و اینکه چگونه شهرهای زیبای اسلامی به‌ویژه بغداد در طی هجوم مغول تخریب شدند.^۴ توجه به تمدن اسلامی در شبه قاره در سال‌های پایانی قرن نوزدهم به امیرعلی محدود نشد و در ۱۸۹۷ م. سید علی بگرامی کتاب *تمدن اعراب لویون* را به اردو ترجمه کرد. به نظر می‌رسد این ترجمه، نخستین ترجمه یک تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی غربی، توسط مسلمانان باشد. کتاب لویون که در ۱۸۸۴ م. منتشر شده بود، تا این زمان در میان اعراب ترجمه نشده بود. جریانی که در طی دو دهه پایانی قرن نوزدهم در شبه قاره برای شناسایی تمدن اسلامی به راه افتاد، با انتشار یکی از نخستین تاریخ‌نگاری‌های تمدن اسلامی به بلوغ رسید. *مقالاتی درباره تاریخ تمدن اسلامی* عنوان این اثر بود که در ۱۹۰۵ م. به زبان انگلیسی توسط صلاح‌الدین خدابخش^۵ در کلکته منتشر شد. این کتاب شامل بخش‌هایی چون عرب پیش از اسلام، اسلام از دیدگاه مسیحیان در قرون وسطی، امویان و دولت روم شرقی، ذمیان در سایه اسلام، وزارت و حکومت در پرتو اسلام، گذری تاریخی بر علوم اسلامی، زندگی اجتماعی در حکومت اسلامی و سقوط خلافت بود.^۶ به نظر می‌رسد ارتباط وسیع و گسترده‌ای که در این دوره میان متفکران هندی با مراکز علمی انگلیس وجود داشت، در شکل‌گیری این جنبش در شبه قاره موثر بوده است.

آغاز تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی در عثمانی در قرن نوزدهم

طی سال‌های سلطنت عبدالحمید دوم^۷ دو جریان اسلام‌گرا که به نام جنبش اتحاد اسلام شناخته

1. Ali. *The life and teachings of Mohammed*, CHAPTER XIX.

2. Ali. *The spirit of Islam*; or, *The life and teachings of Mohammed*, p 341 - 344.

۳. همان، ص ۲۱۳.

۴. همان، ص ۳۳۸.

۵. صلاح‌الدین خدابخش، متفکر و نویسنده هندی، متولد ۱۸۷۷ م و متوفی در ۱۹۳۱ م.

6. Khuda Bukhsh, Saahuddn, *Contributions to the History of Islamic Civilization*, Calcutta, Thacker, Spink & co, 1905.

۷. عبدالحمید دوم، سلطان عثمانی که از ۱۲۹۳ ق (۱۸۷۶ م) تا ۱۳۲۷ ق (۱۹۰۹ م) در عثمانی حکومت کرد.

می‌شد و جریان ترک‌گرا که به تدریج به ترکان جوان شهرت یافت، در رقابتی سخت با یکدیگر قرار داشتند. در این زمان، چهره‌های شاخص جنبش اتحاد اسلام تلاش وافری برای تبیین جایگاه اسلام در رشد علوم و فنون به خرج می‌دادند و ظاهراً در این سال‌ها به مباحثی که به تدریج درباره تمدن اسلامی مطرح می‌شد، توجه ویژه‌ای کردند. یکی از نتایج مهم این توجه، نگارش نخستین تاریخ‌نگاری در زمینه تمدن اسلامی از سوی یک متفکر مسلمان بود. شمس‌الدین سامی^۱ در (۱۳۰۲ ق) ۱۸۸۶ م. کتاب *تمدن اسلامی*^۲ را دو سال پس از انتشار دو کتاب *تمدن اسلامی* گویند و *تمدن اعراب* لوبون در استانبول منتشر کرد که اثری جامع‌تر و مفصل‌تر از دو کتاب مذکور بود. سامی، این کتاب را در ۳۵ فصل بی‌عنوان نگاشت. سامی در فصل اول این کتاب به بحث درباره ویژگی مدنی التبع بودن انسان پرداخت و از مرتبه توحش و تمدن انسان و جوامع انسانی سخن گفت و در فصل دوم به معرفی تمدن‌های کهن از جمله تمدن‌های کلدان، آشور، میدیا، هند، مصر، ایران و یونان پرداخت. وی فصل سوم را به‌عنوان تمدن اسلامی اختصاص داد که در میان اروپاییان به نام تمدن اعراب یا تمدن عرب شناخته می‌شد. سامی به تبیین این نکته پرداخت که در واقع عنوان تمدن اسلامی در این باره صحیح است؛ زیرا در شکل‌گیری آن جوامع دیگری چون ایرانیان و ترک‌ها نقش داشتند. سامی در فصل چهارم به شرح این نکته پرداخت که تمدن اسلامی میراث خوار تمدن‌های کهن بزرگی بوده و تشویق اسلام به اخذ علوم ملل و اقوام دیگر نقش تعیین‌کننده‌ای در این اتفاق داشته است. اشاره به نقش اسلام در شکل‌گیری تمدن اسلامی، موضوع فصل پنجم کتاب سامی بود. وی در فصل ششم، به بیان چگونگی گسترش سریع قلمرو اسلامی پرداخت و در فصول هفتم تا یازدهم مباحث گوناگونی درباره علم نجوم و هیئت در میان مسلمانان طرح کرد و فصول دوازدهم تا هفدهم را به تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی در جوامع گوناگون چون مصر، مغرب، اسپانیا، مغول و تاتار اختصاص داد. فصل هجدهم تا سی و دوم به شرح وضعیت ریاضیات، جغرافیا، علوم طبیعی، طب، حکمت و فلسفه، تصوف، قانون، ادبیات، تاریخ و صنعت در تمدن اسلامی اختصاص یافت و سامی در فصل‌های پایانی به معرفی برخی از کشفیات مسلمانان پرداخت.

اثر سامی در واقع پاسخ به مسائلی بود که در این زمان از سوی جریان ترک‌گرا و غرب‌گرا علیه اسلام مطرح می‌شد و نقش اسلام را در مدیریت جوامع به چالش می‌کشید. نگارش اثری مشابه در (۱۳۰۸ ق) ۱۸۹۱ م. نشان‌دهنده داغ بودن این مباحث در امپراتوری رو به مرگ عثمانی است. در این

۱. شمس‌الدین سامی، نویسنده و نمایشنامه‌نویس آلبانیایی تبار امپراتوری عثمانی، متولد ۱۸۵۰ م و متوفی در ۱۹۰۴ م.

۲. سامی، شمس‌الدین، *مدنیت اسلامی*، استانبول، مه‌ران، ۱۳۰۲ ق.

سال *تمدن اسلامی* دومین اثری است که با عنوانی کاملاً مشابه توسط نویسنده‌ای نه چندان شناخته شده به نام علی وهبی منتشر شد.^۱

ترجمه تاریخ‌نگاری‌های تمدن اسلامی در قرن بیستم

در میان تاریخ‌نگاری‌هایی که متفکران غربی از ۱۸۸۴ م. تا پایان قرن بیستم درباره تمدن اسلامی نگاشتند، چند اثر به صورت ویژه مورد توجه متفکران مسلمان قرار گرفت و به زبان‌های گوناگون اسلامی ترجمه شد.

نخستین ترجمه، ترجمه *تاریخ تمدن اسلامی* لوبون در ۱۸۹۷ م. توسط بگرامی به زبان اردو بود. این ترجمه مورد توجه یک ایرانی به نام سید محمدتقی فخر داعی گیلانی قرار گرفت و در ۱۳۱۳ (۱۹۳۴ م) با عنوان *تمدن اسلام و عرب* به فارسی ترجمه و در تهران منتشر شد.^۲ درحالی‌که انتظار می‌رفت کتاب لوبون پیش از هر جایی مورد توجه متفکران عرب قرار بگیرد و به زبان عربی ترجمه شود، ترجمه عربی این کتاب، بیش از شصت سال بعد و در ۱۹۴۵ م. توسط عادل زعیتر در قاهره منتشر شد.^۳ اما *تمدن اسلامی* گویارد تنها مورد توجه متفکران ایرانی قرار گرفت و در ۱۳۲۶ (۱۹۴۷ م) با عنوان *سازمان‌های تمدن امپراتوری اسلام* توسط سید فخرالدین طباطبایی به فارسی ترجمه شد.^۴

یکی از تمدن‌نگاری‌هایی که توجه چشمگیری را در نقاط مختلف جهان اسلام در قرن بیستم برانگیخت، رساله واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد^۵ درباره فرهنگ و تمدن اسلامی بود که در ۱۹۱۸ م در پتروگراد منتشر شد.^۶ کتاب بارتولد در ۱۹۲۲ م. توسط جمال ولیدی به زبان تاتار و در ۱۹۲۷ م. توسط غازی یونس به زبان ازبک و پس از آن به زبان‌های اردو و انگلیسی نیز ترجمه شد. فوآد کوپرلی، با حواشی و اضافاتی در سال ۱۹۴۰ م. آن را به زبان ترکی ترجمه کرد و در استانبول به چاپ رسانید و در مجله *عالم اسلامی* هم به زبان فرانسه نشر یافت.^۷ همچنین ع. گنجه‌ای

۱. وهبی، علی، *مدنیت اسلامی*، استانبول، مطبعه امری، ۱۳۰۸ ق.

۲. گوستاو لوبون، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، بدرقه جاویدان، ۱۳۹۴، مقدمه مترجم در چاپ اول.

۳. لوبون، غوستاف، *حضارة العرب*، ترجمه عادل زعیتر، قاهره، مطبعه عیسی البابی الحلبی و شرکا، ۱۹۶۹ م.

۴. گویارد، استانیسلاس، *سازمان‌های تمدن امپراتوری اسلام*، ترجمه سید فخرالدین طباطبایی، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۶

۵. Vasily Vladimirovich Bartold، مستشرق مشهور روسی، متولد ۱۸۹۶ م و متوفی در ۱۹۳۰ م.

6. Bartold, VV, *Mussulman culture*, Translated from Russian by Shahid Suhrawardy, Calcutta, University of Calcutta, 1934.

۷. گنجه‌ای، «تاریخ تمدن اسلامی»، *مجله آیین اسلام*، ش ۱۰۵، ص ۵.

بخش‌هایی از این کتاب را در ۱۳۲۰ (۱۹۴۱ م) به زبان فارسی ترجمه و در نشریه *آیین اسلام* در ۱۳۲۵ (۱۹۴۶ م) منتشر کرد. این اثر سپس توسط علی‌اکبر دیانت با عنوان *تاریخ تمدن اسلامی* در ۱۳۳۷ (۱۹۵۸ م) در تبریز ترجمه و منتشر شد.^۱ اعراب نیز با تأخیر به سراغ اثر بارتولد رفتند و در ۱۹۶۶ م. حمزه طاهر آن را با عنوان *تاریخ الحضارة الاسلامیه* به عربی ترجمه کرد.^۲

اثر دیگری که به چند زبان توسط مسلمانان ترجمه شد، کتاب *تجدید حیات اسلام* نوشته آدام متز بود.^۳ این کتاب در سال ۱۹۲۲ م. به زبان آلمانی منتشر و در ۱۹۳۷ م. توسط صلاح‌الدین خدابخش هندی، از آلمانی به انگلیسی برگردانده شد. خدابخش تعلیقه‌های مفیدی نیز بر آن زد. سپس محمد عبدالهادی ابوریثه، در ۱۹۴۰ م. آن را از انگلیسی به عربی ترجمه و با عنوان *الحضارة الاسلامیه فی القرن الرابع الهجرى او عصر النهضة فی الاسلام* در دو بخش منتشر کرد. در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ م) ترجمه عربی کتاب نیز توسط علیرضا ذکاوتی قراگزلو با عنوان *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجرى* به فارسی برگردانده و در ۱۳۶۲ (۱۹۸۳ م) در تهران منتشر شد.^۴

آثار دیگری که در قرن بیستم توسط متفکران غربی درباره تمدن اسلامی نگاشته شد، کمتر از آثار مذکور در جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته است و کمتر می‌توان اثری یافت که به چند زبان در جهان اسلام ترجمه شده باشد.

تلاش گسترده متفکران مسلمان برای نگارش تاریخ تمدن اسلامی در قرن بیستم

در دو دهه پایانی قرن نوزدهم آثار معدودی در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی از سوی متفکران مسلمان نگاشته شد، اما متفکران مسلمان از سال‌های آغازین قرن بیستم دست به کار نگارش آثار متعددی در این مسیر شدند که هرچه به دهه‌های پایانی قرن بیستم نزدیک شویم، بر تعداد آنها افزوده شده است. مهم‌ترین این آثار در چهار حوزه زبانی عربی، فارسی، ترکی و انگلیسی قابل بررسی است.

تمدن‌نگاری‌های عربی

همان‌طور که ذکر شد، نخستین تاریخ‌نگاری‌ها در زمینه تمدن اسلامی از سوی اعراب مسیحی ساکن

۱. بارتولد، واسیلی، فرهنگ و تمدن مسلمانان، ترجمه علی‌اکبر دیانت، تبریز، شفق، ۱۳۳۷.

۲. بارتولد، فاسیلی، *تاریخ الحضارة الإسلامیة*، ترجمه حمزه طاهر، قاهره، دار المعارف بمصر، ۱۹۶۶.

3. Mez, Adam, *Die Renaissance des Islams*, Heidelberg, C. Winter, 1922.

۴. متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجرى*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

مصر و شام نگاهشته شد. در ۱۸۸۸ م. جمیل نخله المدور، کتاب *حضارة الإسلام فی دار السلام* و طی سال‌های ۱۹۰۱ م. تا ۱۹۰۶ م. جرجی زیدان مجموعه پنج جلدی *تاریخ تمدن اسلامی* را زیر چاپ بردند. متفکران عرب مسیحی، کار خود را به همین آثار محدود نکردند و در ۱۹۱۸ م. أسعد خلیل داغر^۱ کتابی با عنوان *تمدن عرب، تاریخ، علوم، آداب، اخلاق و عادات آنها* نگاهشت.^۲ داغر چون زیدان، از چهره‌هایی بود که با نشریاتی چون *المقتطف* و *الهلال* همکاری داشت و در نگارش این اثر، همان اهدافی که زیدان از نگارش تاریخ تمدن اسلامی داشت، دنبال کرد. در جدول زیر فهرستی از مهم‌ترین آثاری که متفکران عرب مسیحی در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی و عربی منتشر کردند، ارائه شده است:

سال انتشار	نام نویسنده	عنوان کتاب	محل انتشار
۱۹۰۱ تا ۱۹۰۶	جرجی زیدان	<i>تاریخ التمدن الإسلامی</i>	قاهره
۱۹۱۸	أسعد خلیل داغر	<i>حضارة العرب تاریخهم علومهم آدابهم أخلاقهم عاداتهم</i>	قاهره
۱۹۵۲	أدیب لحدود	<i>حضارة العرب فی الجاهلیة والإسلام</i> ^۳	بیروت
۱۹۵۶	جورج حداد	<i>المدخل الی تاریخ الحضارة</i> ^۴	دمشق
۱۹۶۵	نعیم قداح	<i>حضارة الإسلام وحضارة أوروبا فی افریقیه الغربیه</i> ^۵	دمشق

به نظر می‌رسد جریان تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی و عربی که از سوی اعراب مسیحی از در پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم شکل گرفت، به تدریج رنگ باخت؛ به گونه‌ای که در دهه‌های پایانی قرن بیستم، کمتر شاهد آثار جدی در زمینه تمدن اسلامی از سوی اعراب مسیحی هستیم. برخلاف جریان اعراب مسیحی، اعراب مسلمان که در پایان قرن نوزدهم و دو دهه ابتدایی قرن بیستم اثر درخوری در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی ننوشتند، از دهه سوم قرن بیستم به تدریج برای نگارش آثار گوناگونی در زمینه تمدن اسلامی و عربی دست به کار شدند. در ۱۹۲۳ م. عبدالرحمن البرقوقی،^۶ کتابی درباره تمدن عربی در اندلس نگاهشت که یکی از

۱. أسعد خلیل داغر، نویسنده و ادیب لبنانی، متولد ۱۸۶۰ م و متوفی در ۱۹۳۵ م.

۲. داغر، أسعد خلیل، *حضارة العرب، تاریخهم علومهم آدابهم أخلاقهم عاداتهم*، قاهره، مطبعة هندیة بالموسکی بمصر، ۱۹۱۸ م.

۳. لحدود، ادیب، *حضارة العرب فی الجاهلیة والإسلام*، بیروت، مکتبة صادر، ۱۹۵۲ م.

۴. حداد، جورج، *المدخل الی تاریخ الحضارة*، دمشق، مطبعة الجامعة السوریة، ۱۹۵۸ م.

۵. قداح، نعیم، *حضارة الإسلام وحضارة أوروبا فی افریقیه الغربیه*، دمشق، مکتبة أطلس، ۱۹۶۵ م.

۶. عبدالرحمن البرقوقی، ادیب و متفکر مصری، متولد ۱۲۹۳ ق (۱۸۷۶ م) و متوفی در ۱۳۶۳ ق (۱۹۴۴ م).

نخستین تاریخ نگاری‌های اعراب مسلمان درباره تمدن اسلامی به‌شمار می‌رود.^۱ البرقوقی در این کتاب به ذکر تمدن اندلس در دوران حکومت امویان اندلس و وصف شهرهای آن پرداخت. اما یکی از نخستین و مهم‌ترین آثاری که در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی از سوی اعراب مسلمان نگاشته شد، کتابی با عنوان *الإسلام والحضارة العربیه* بود که توسط محمد کردعلی^۲ در ۱۹۳۴ م. در قاهره منتشر شد. ویژگی مهم این اثر نقد و بررسی آثار متفکران غربی در زمینه تاریخ و تمدن اسلامی به‌ویژه کتاب *تمدن اعراب* لوبون بود. کردعلی یکی از اهداف خود از نگارش *الإسلام والحضارة العربیه* را نقد ادعاهای نادرستی شمرد که مستشرقین و متفکران غربی درباره اسلام، اعراب و تمدن آنها گفته و نوشته‌اند.^۳ وی در آغاز این کتاب، متفکران غربی را به عدم درک و فهم درست از اسلام و خارج شدن از دایره انصاف در اظهارنظرشان درباره اسلام متهم کرد^۴ و نقد خود را با کتاب *تمدن عرب* لوبون شروع کرد.^۵ او در ادامه به نقد کتاب *تاریخ آسیا*^۶ نوشته هربرت هنری گون^۷ و ادعاهایی که وی در این کتاب علیه مسلمانان و اسلام کرده بود، پرداخت و در مقابل اشاراتی به تاریخ مملو از جنگ و توحش در اروپا و آمریکا کرد.^۸ همچنین آرای ارنست رنان^۹ و کلرمون گانو^{۱۰} درباره اسلام و مسلمانان را نقد کرد.^{۱۱} کردعلی در فصول بعدی وارد بحث درباره تمدن اعراب پیش از اسلام و پس از اسلام شد و ثروت اعراب و علومی که به آنها دست یافتند را مورد بررسی قرار داد.^{۱۲}

۱. البرقوقی، عبدالرحمن، *حضارة العرب فی الاندلس: رسائل تاریخیة فی قالب خیالی بدیع*، قاهره، مطبعة المكتبة التجارية، ۱۹۲۳ م.
۲. محمد کردعلی، اولین وزیر معارف و پرورش سوریه و رئیس فرهنگستان زبان عربی در دمشق، متولد ۱۲۹۳ ق (۱۸۷۶ م) و متوفی در ۱۳۷۲ ق (۱۹۵۳ م).
۳. کردعلی، محمد، *الإسلام والحضارة العربیه*، الجزء الأول، قاهره، مطبعة دار الکتب المصریة، مقدمة الكتاب.
۴. همان، ص ۲ - ۱.
۵. همان، ص ۱۲ - ۳.
۶. این کتاب نخستین بار در ۱۹۲۹ م. با عنوان *Histoire de l'Asie* منتشر شد. جهت مطالعه کتاب ر.ک: Gowen, H. Herbert. *Histoire de l'Asie*. Paris: Payot, 1929.
۷. Herbert Henry Gowen، شرق‌شناس آمریکایی، متولد ۱۸۶۴ م و متوفی در ۱۹۶۰ م.
۸. کردعلی، *الإسلام والحضارة العربیه*، ص ۱۵ - ۱۳.
۹. Joseph Ernest Renan، شرق‌شناس و باستان‌شناس فرانسوی، متولد ۱۸۲۳ م و متوفی در ۱۸۹۲ م.
۱۰. Ganneau - Charles Simon Clermont، شرق‌شناس و باستان‌شناس فرانسوی، متولد ۱۸۴۶ م و متوفی در ۱۹۲۳ م.
۱۱. کردعلی، *الإسلام والحضارة العربیه*، ص ۱۸ - ۱۵.
۱۲. همان، ص ۱۶۹ - ۱۱۱.

آنگاه به بررسی وضعیت غرب در عصر جوانی اسلام مشغول شد و شرحی از اوضاع نابسامان و عقب ماندگی‌ها و توحش اروپایی‌ها در این دوره ارائه کرد.^۱ تمدنی که مسلمانان در اندلس و سیسیل ایجاد کردند، دو فصل دیگر از کتاب وی را تشکیل داد و کردعلی تلاش کرد با ذکر جزئیاتی از علوم و هنر و معماری مسلمانان در شهرهای اندلس و جزیره سیسیل به شرح آن بپردازد.^۲ وی آنگاه به بررسی جنگ‌های صلیبی و تأثیر آن بر اروپاییان پرداخت و در یکی از بخش‌های این فصل آرای لوبون درباره فواید و زیان‌های جنگ‌های صلیبی را مورد نقد و بررسی قرار داد.^۳ حملات مغول و ترک‌ها به سرزمین‌های اسلامی و سپس غرب جدید و شکل‌گیری پدیده استعمار و تأثیر آنها بر انحطاط تمدن اسلامی چند فصل پایانی کتاب کردعلی را تشکیل داد.^۴ وی در فصل پایانی به تأثیر تمدن جدید غرب بر سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه مصر پرداخت و از اموری که مسلمانان از تمدن غرب گرفتند، سخن گفت و در پایان آن، پس از ذکر فوایدی که تمدن غربی برای مسلمانان داشته، به بررسی آثار سوئی پرداخت که این تمدن بر مسلمانان گذاشته است.^۵

پس از *الإسلام والحضارة العربیه*، آثار متعددی درباره تمدن اسلامی و عربی از سوی متفکران عرب مسلمان منتشر شد که فهرستی از مهم‌ترین آنها در جدول زیر آورده شده است:

سال انتشار	نام نویسنده	عنوان کتاب	محل انتشار
۱۹۲۳	عبد الرحمن البرقوقي	<i>حضارة العرب فی الاندلس</i>	قاهره
۱۹۳۴	محمد کردعلی	<i>الإسلام والحضارة العربیه</i>	قاهره
۱۹۳۸	محمد جمال‌الدین سرور	<i>الظاهر ببیرس و حضارة مصر فی عصره</i> ^۶	قاهره
۱۹۴۰	عبدالرحمن بدوی	<i>التراث اليونانی فی الحضارة الإسلامیة؛ دراسات لكبار المستشرقین</i> ^۷	قاهره
۱۹۴۸	عمر ابوالنصر	<i>تاریخ الحضارة العربیه قبل الإسلام و فی العهد الأموی</i> ^۸	بیروت
۱۹۵۴	یوسف صالح السامرائی	<i>الموجز فی تاریخ الحضارة العربیه</i> ^۹	بغداد

۱. همان، ص ۲۰۰ - ۱۸۷.

۲. همان، ص ۲۷۵ - ۲۳۸.

۳. همان، ص ۲۹۷ - ۲۷۶.

۴. همان، ص ۳۴۳ - ۲۹۸.

۵. همان، ص ۳۶۳ - ۳۴۴.

۶. سرور، محمد جمال‌الدین، *الظاهر ببیرس و حضارة مصر فی عصره*، قاهره، مطبعة دار الكتب المصرية، ۱۹۳۸ م.

۷. بدوی، عبدالرحمن، *التراث اليونانی فی الحضارة الإسلامیة؛ دراسات لكبار المستشرقین*، قاهره، مكتبة النهضة، ۱۹۴۰ م.

۸. ابوالنصر، عمر، *تاریخ الحضارة العربیه قبل الإسلام و فی العهد الأموی*، بیروت، منشورات مكتبة هاشم، ۱۹۴۸ م.

۹. السامرائی، یوسف صالح، *الموجز فی تاریخ الحضارة العربیه*، بغداد، مطبعة شفیق، ۱۹۵۴ م.

محل انتشار	عنوان كتاب	نام نویسنده	سال انتشار
قاهره	من روائع حضارتنا ^١	مصطفى السباعي	١٩٥٥
قاهره	تاريخ الحضارة الإسلامية والفكر الإسلامي ^٢	ابوزيد شلبي	١٩٦٤
قاهره	تاريخ الحضارة الإسلامية في المشرق ^٣	محمد جمال الدين سرور	١٩٦٥
قاهره	الحضارة العربية في حوض البحر الأبيض المتوسط ^٤	عثمان الكعك	١٩٦٥
قاهره	من حضارة الإسلام ^٥	عبدالعزیز سيد الأهل	١٩٦٦
بيروت	حضارة العرب في العصور الإسلامية الزاهرة ^٦	مصطفى صادق الرافعي	١٩٦٨
قاهره	فضل الحضارة الإسلامية والعربية على العالم ^٧	زكريا هاشم زكريا	١٩٧٠
قاهره	تاريخ الحضارة الإسلامية في العصور الوسطى ^٨	عبد المنعم ماجد	١٩٧٣
دمشق	مقدمات ومباحث في حضارة العرب والاسلام ^٩	عمر رضا كحاله	١٩٧٤
قاهره	حضارة الاسلام و اثرها في الترقى ^{١٠}	جلال مظهر	١٩٧٤
قاهره	دراسة في حضارة الإسلام ^{١١}	كمال أبوزيد شلال	١٩٧٥
بيروت	حضارة الإسلام ^{١٢}	عباس محمود العقاد	١٩٧٨
بغداد	كتاب حضارة العرب ومراحل تطورها عبر العصور ^{١٣}	احمد سوسه	١٩٧٨
قاهره	حضارة الدولة العباسية ^{١٤}	أحمد رمضان أحمد	١٩٧٨

١. السباعي، مصطفى، من روائع حضارتنا، قاهره، دار السلام للنشر والتوزيع، ١٩٩٩ م.
٢. شلبي، ابوزيد، تاريخ الحضارة الإسلامية والفكر الإسلامي، قاهره، دار مكتبة وهبة ١٩٦٤ م.
٣. سرور، محمد جمال الدين، تاريخ الحضارة الإسلامية في المشرق، قاهره، دار الفكر العربي للطباعة والنشر، ١٩٦٥ م.
٤. الكعك، عثمان، الحضارة العربية في حوض البحر الأبيض المتوسط، القاهرة، جامعة الدول العربية، معهد الدراسات العربية العالية، ١٩٦٥ م.
٥. سيد الأهل، عبدالعزیز، من حضارة الإسلام، قاهره، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية، ١٩٦٦ م.
٦. الرافعي، مصطفى صادق، حضارة العرب في العصور الإسلامية الزاهرة، بيروت، دار الكتاب اللبناني، ١٩٦٨ م.
٧. زكريا، زكريا هاشم، فضل الحضارة الإسلامية والعربية على العالم، قاهره، دار النهضة مصر للطبع والنشر، ١٩٧٠ م.
٨. ماجد، عبد المنعم، تاريخ الحضارة الإسلامية في العصور الوسطى، قاهره، مكتبة الأنجلو المصرية، ١٩٧٣ م.
٩. كحاله، عمر رضا، مقدمات ومباحث في حضارة العرب والاسلام، دمشق، مطبعة الحجاز، ١٩٧٤ م.
١٠. مظهر، جلال، حضارة الاسلام و اثرها في الترقى، قاهره، مكتبة الخانجي، ١٩٧٤ م.
١١. شلال، كمال أبوزيد، دراسة في حضارة الإسلام، قاهره، دار الطباعة المحمدية، ١٩٧٥ م.
١٢. العقاد، عباس محمود، حضارة الإسلام، بيروت، دار الكتاب اللبناني، ١٩٧٨ م.
١٣. سوسه، احمد، حضارة العرب ومراحل تطورها عبر العصور، بغداد، الجمهورية العراقية، ١٩٧٨ م.
١٤. أحمد، رمضان أحمد، حضارة الدولة العباسية، قاهره، الجهاز المركزي للكتب الجامعية والمدرسية والوسائل التعليمية، ١٩٧٨ م.

سال انتشار	نام نویسنده	عنوان کتاب	محل انتشار
١٩٧٨	أحمد رمضان أحمد محمد	حضاره الدوله العربيه فى عهد الرسول والخلفاء الراشدين والدوله الأمويه ^١	قاهره
١٩٨٠	على فاعور	آفاق الحضرة العربيه ^٢	بيروت
١٩٨٢	رشيد الجميلى	الحضاره العربيه الاسلاميه و أثرها فى الحضاره الاوربيه ^٣	تونس
١٩٨٣	منير شفيق	الإسلام فى معركة الحضاره ^٤	قاهره
١٩٨٤	صبحى عبدالحفيظ قاضى	قضايا معاصره فى الحضاره الاسلاميه ^٥	بيروت
١٩٨٦	أنور الرفاعى	الاسلام فى حضارته و نظمه ^٦	دمشق
١٩٨٦	محمد محمود ادريس	تاريخ الحضاره الاسلاميه فى مصر: العصر الفاطمى ^٧	قاهره
١٩٨٧	مجموعه مؤلفين	موسوعه الحضاره العربيه الإسلاميه ^٨	قاهره
١٩٨٧	سعيد عبدالفتاح عاشور	بحوث فى تاريخ الإسلام و حضارته ^٩	قاهره
١٩٨٨	مصطفى الرفاعى	حضاره العرب ^{١٠}	قاهره
١٩٩٠	أحمد عبدالرازق أحمد	الحضاره الإسلاميه فى العصور الوسطى ^{١١}	قاهره
١٩٩٠	محمد كاظم مكى	المدخل إلى حضاره العصر العباسى ^{١٢}	بيروت
١٩٩١	السيد عبدالعزيز سالم	بحوث الإسلاميه فى التاريخ والحضاره والآثار ^{١٣}	بيروت
١٩٩٢	حسين الحاج حسن	حضاره العرب فى صدرالإسلام ^{١٤}	بيروت
١٩٩٤	حسين الحاج حسن	حضاره العرب فى العصر الاموى ^{١٥}	بيروت

١. محمد، أحمد رمضان أحمد، حضارة الدوله العربيه فى عهد الرسول والخلفاء الراشدين والدوله الأمويه، قاهره، الجهاز المركزى للكتب الجامعيه والمدريسيه والوسائل التعليميه، ١٩٧٨ م.
٢. فاعور، على، آفاق الحضرة العربيه، دار النهضة العربيه، ١٨٨٠ م.
٣. الجميلى، رشيد، الحضاره العربيه الاسلاميه و أثرها فى الحضاره الاوربيه، تونس، جامعه قاريونس، ١٩٨٢ م.
٤. شفيق، منير، الإسلام فى معركة الحضاره، قاهره، دار الكلمه للنشر والتوزيع، ١٩٨٣ م.
٥. عبدالحفيظ قاضى، صبحى، قضايا معاصره فى الحضاره الاسلاميه، بيروت، دار الرائد العربى، ١٩٨٤ م.
٦. الرفاعى، أنور، الإسلام فى حضارته و نظمه، دمشق، دار الفكر، ١٩٨٦ م.
٧. محمود ادريس، تاريخ الحضاره الاسلاميه فى مصر: العصر الفاطمى، قاهره، مكتبة نهضة الشرق، ١٩٨٦ م.
٨. مجموعه مؤلفين، موسوعه الحضاره العربيه الإسلاميه، بيروت، المؤسسة العربيه للدراسات والنشر، ١٩٨٧ م.
٩. عاشور، سعيد عبدالفتاح، بحوث فى تاريخ الإسلام و حضارته، قاهره، معالم الكتب، ١٩٨٧ م.
١٠. الرفاعى، مصطفى، حضاره العرب، قاهره، الدار العالميه للطباعة والنشر والتوزيع، ١٩٨٨ م.
١١. أحمد، عبدالرازق أحمد، الحضاره الإسلاميه فى العصور الوسطى، قاهره، دار الفكر العربى، ١٩٩٠ م.
١٢. مكى، محمد كاظم، المدخل إلى حضاره العصر العباسى، بيروت، دار الزهراء للإعلام العربى، ١٩٩٠ م.
١٣. سالم، السيد عبدالعزيز، بحوث الإسلاميه فى التاريخ والحضاره والآثار، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ١٩٩١ م.
١٤. حسن، حسين الحاج، حضاره العرب فى صدرالإسلام، بيروت، المؤسسة الجامعيه، ١٩٩٢ م.
١٥. حسن، حسين الحاج، حضاره العرب فى العصر الاموى، بيروت، المؤسسة الجامعيه، ١٩٩٤ م.

سال انتشار	نام نویسنده	عنوان کتاب	محل انتشار
۱۹۹۴	حسین الحاج حسن	حضاره العرب فی العصر العباسی ^۱	بیروت
۱۹۹۵	عباس محمود العقاد	الإسلام والحضارة الإنسانیة ^۲	قاهره
۱۹۹۶	توفیق بن عامر	الحضارة الاسلامیة و تجارة الرقیق ^۳	تونس
۱۹۹۷	السید محمد الحسینی الشیرازی	من التمدن الإسلامیة ^۴	بیروت
۱۹۹۷	محمود عرفه محمود و عبدالرحمن محمد العبد الغنی و نایف عید السهیل	دراسات فی الحضارة العربیة الاسلامیة ^۵	کویت
۱۹۹۷	مجموعه مقالات	بحوث فی تاریخ الحضارة العربیة ^۶	اسکندریه
۱۹۹۷	اسماعیل احمی یاقی	الحضارة الاسلامیة وأثرها فی الغرب ^۷	ریاض
۱۹۹۸	إسماعیل راجی الفاروقی، لويس لمیا الفاروقی	أطلس الحضارة الإسلامیة ^۸	ریاض
۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹	مجموعه مؤلفین	قصه و تاریخ الحضارات العربیة بین الأمس والیوم (۱۴ مجلد) ^۹	بیروت

باید توجه کرد که بخش عمده آثاری که از سوی اعراب مسلمان در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی و عربی در طی قرن بیستم منتشر شد، توسط متفکران مصری و در شهر قاهره بود. پس از مصری‌ها این اندیشمندان مسلمان لبنانی بودند که بیشترین آثار را در زمینه تمدن اسلامی و عربی منتشر کردند.

تمدن‌نگاری‌های فارسی

ایرانیان جزء نخستین ملت‌ها در میان جوامع اسلامی بودند که به مفهوم تمدن و چپستی و ضرورت آن توجه کردند. با وجود این به نظر می‌رسد در نسبت با مسلمانان شبه قاره و اعراب کمی دیرتر به

۱. حسن، حسین الحاج، حضارة العرب فی العصر العباسی، بیروت، المؤسسة الجامعیة، ۱۹۹۴م.
۲. العقاد، عباس محمود، الإسلام والحضارة الإنسانیة، قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۵ م.
۳. بن عامر، توفیق، الحضارة الاسلامیة و تجارة الرقیق، تونس، کلیة العلوم الإنسانیة والإجتماعیة بتونس، ۱۹۹۶ م.
۴. الحسینی الشیرازی، السید محمد، من التمدن الإسلامیة، بیروت، دار الصادق، ۱۹۷۷ م.
۵. محمود، محمود عرفه و عبدالرحمن محمد العبد الغنی و نایف عید السهیل، دراسات فی الحضارة العربیة الاسلامیة، کویت، مکتبة ابن کثیر، ۱۹۹۷ م.
۶. مکی، محمد کاظم، بحوث فی تاریخ الحضارة العربیة، اسکندریة، مؤسسة شباب الجامعة، ۱۹۹۷ م.
۷. احمد یاقی، اسماعیل، الحضارة الاسلامیة وأثرها فی الغرب، ریاض، مکتبة العیبکان، ۱۹۹۷ م.
۸. راجی الفاروقی، اسماعیل و لويس لمیا الفاروقی، أطلس الحضارة الإسلامیة، ریاض، مکتبة العیبکان، ۱۹۹۸ م.
۹. مکی، محمد کاظم، قصه و تاریخ الحضارات العربیة بین الأمس والیوم، بیروت، Editio Creps International، ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ م.

تمدن اسلامی توجه کردند؛ به گونه‌ای که نخستین اثری که در زمینه تمدن اسلامی در ایران ترجمه شد، *تمدن اعراب* لوبون در ۱۳۱۳ (۱۹۳۴ م) بود.

اما به نظر می‌رسد نخستین اثر تالیفی در زمینه تمدن اسلامی به زبان فارسی کتابی با نام *تمدن الاسلام فی بیان فلسفه الاحکام* باشد که توسط شیخ قاسم آقا واعظ مهاجر^۱ در ۱۳۱۱ (۱۹۳۳ ق) نگاشته شد. این کتاب اگرچه از ساختاری منسجم برخوردار نیست، حاوی بحث‌های مهم و قابل توجهی در دوره خود است. واعظ مهاجر در این اثر به طرح مباحثی درباره تمدن اسلامی در دوره‌های گوناگون چون خلافت عباسی، خلافت فاطمی و حکومت غزنویان پرداخت. وی همچنین از بربریت غرب در زمانی که مسلمانان در اوج تمدن خود بودند و تأثیر تمدن اسلامی و آثار علمی مسلمانان در شکل‌گیری تمدن جدید غرب نوشت. عظمت و بزرگی اسلام و مقایسه آن با مسیحیت، نقش و حقوق زنان در اسلام و تمدن اسلامی و مقایسه آن با مفاسد اخلاقی که زنان غربی گرفتار آن شده‌اند، اتحاد دیانت و سیاست در تاریخ اسلام از دیگر مباحث این کتاب است.^۲ واعظ مهاجر در این کتاب ضمن علت‌یابی انحطاط مسلمانان، خواستار آن شد که مسلمانان با کنار گذاشتن تقلید کورکورانه از غرب به دنبال شناسایی راه‌هایی بروند که موجب شکل‌گیری تمدن اسلامی در گذشته شده بود.^۳

پس از کتاب واعظ مهاجر، کتاب *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم* در ۱۳۳۱ (۱۹۵۲ م) توسط ذبیح‌الله صفا^۴ در تهران منتشر شد. صفا در آغاز این کتاب به شناسایی و معرفی مراکز مهم عقلی مقارن ظهور اسلام پرداخت و در ادامه، چگونگی ترجمه و انتقال علوم را از این مراکز به میان مسلمانان بررسی کرد و سپس رواج علوم عقلی در میان مسلمانان را مورد توجه قرار داد و در این مسیر به بررسی تاریخ فلسفه در تمدن اسلامی و معرفی برخی از فیلسوفان بزرگ اسلامی پرداخت.

کتاب *کارنامه اسلام* یکی دیگر از آثاری بود که در ۱۳۴۸ (۱۹۶۹ م) درباره فرهنگ و تمدن اسلامی توسط عبدالحسین زرین‌کوب در تهران منتشر شد. این کتاب که از ۲۵ فصل تشکیل شده بود، پس از بیان مباحثی درباره دلایل شکل‌گیری تمدن اسلامی و تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بر فرهنگ و تمدن انسانی و نهضت علمی مسلمانان به شرح موضوعاتی چون کتاب و کتابخانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، علم طب و بیمارستان‌ها، داروسازی و علوم طبیعی، نجوم و ریاضیات، فیزیک و

۱. شیخ قاسم آقا واعظ مهاجر، روحانی شیعه اهل ایروان که ساکن خوی بود و در ۱۳۲۳ در این شهر درگذشت.

۲. واعظ مهاجر، شیخ قاسم آقا، *تمدن الاسلام فی بیان فلسفه الاحکام*، خوی، سنائی، ۱۳۵۱ ق.

۳. همان، ص ۲۵۱ - ۲۵۰.

۴. ذبیح‌الله صفا، استاد دانشگاه تهران، متولد ۱۲۹۰ (۱۹۱۱ م) و متوفی در ۱۳۷۸ (۱۹۹۹ م).

شیمی و فنون صنعت، جغرافیا و جهانگردی، تاریخ‌نگاری، فلسفه و کلام و حکمت، هنرهای زیبا، عرفان و ادبیات در تمدن اسلامی پرداخت.^۱

در نیمه دوم قرن بیستم یکی از موضوعات مورد توجه متفکران مسلمان، بررسی سهم اسلام در تمدن فعلی جهان بود. یکی از چهره‌هایی که به این موضوع توجه کرد ناصرالدین صاحب‌الزمانی^۲ بود که در ۱۳۴۹ (۱۹۷۰ م) به طرح مباحثی در دانشگاه تبریز پرداخت. این مباحث در همان سال در کتابی با عنوان *اسلام در تمدن جهان* در تهران منتشر شد.^۳

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دو اثر قابل توجه در زمینه تمدن اسلامی از سوی روحانیون شیعی منتشر شد: کتاب *اول تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی* نام داشت که توسط زین‌العابدین قربانی^۴ در ۱۳۵۲ (۱۹۷۵ م) در تهران منتشر شد.^۵ این کتاب در سه بخش با عناوین طرز فکر اسلام درباره فرهنگ و تمدن، شعبه‌های مختلف علوم و فنون اسلامی و روش آموزش و پرورش اسلامی تنظیم شد. قربانی در این کتاب به بررسی اوضاع جهان در ایام ظهور اسلام، نقش اسلام در از بین بردن جهل و نادانی و ایجاد شوق و علاقه در مسلمانان برای یادگیری علم و دانش و همچنین به نقش بی‌بدیل ایرانیان در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخت.

کتاب دوم هم در همین سال با عنوان *فرهنگ و تمدن اسلامی* توسط محمدجواد باهنر^۶ در قم منتشر شد.^۷ این کتاب مجموعه‌ای از مقالاتی بود که باهنر در ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ (۱۹۶۱ م) در مجله *درس‌هایی از مکتب اسلام* منتشر کرده بود.^۸

۱. زرین کوب، عبدالحسین، *کارنامه اسلام*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۲. ناصرالدین صاحب‌الزمانی، محقق، نویسنده، *روان‌شناس و زبان‌شناس ایرانی*.
۳. صاحب‌الزمانی، ناصرالدین، *سهم اسلام در تمدن جهان*، تهران، بعثت، ۱۹۷۰ م.
۴. زین‌العابدین قربانی لاهیجی، عالم شیعی و از روحانیون مبارز علیه رژیم پهلوی، متولد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ م).
۵. قربانی، زین‌العابدین، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۵۴.
۶. محمدجواد باهنر، عالم شیعی و از روحانیون مبارز علیه رژیم پهلوی، متولد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ م) و متوفی در ۱۳۶۰ (۱۹۸۱ م).
۷. باهنر، محمدجواد، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، بی‌جا، ۱۳۵۲.
۸. برخی از این مقالات عبارت بودند از:
 - باهنر، محمدجواد، «فرهنگ و تمدن اسلامی، حلقه اتصال دنیای نو و کهنه»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، ش ۱، اسفند ۱۳۳۹.
 - همو، «فرهنگ و تمدن اسلامی، مشرق زمین، سرچشمه دین و تمدن»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، س ۳، ش ۲، فروردین ۱۳۴۰.

یکی دیگر از آثار قابل توجه متفکران ایرانی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی که به موضوع تمدن اسلامی پرداخت، در ۱۳۵۶ (۱۹۷۷ م) توسط محمدرضا حکیمی^۱ نگاشته شد. در این کتاب در دوازده فصل مباحثی چون چگونگی فراگرفتن دانش توسط مسلمانان، ابتکارهای علمی مسلمانان، شعر و ادبیات و هنر اسلامی، فقه و حقوق اسلامی و حکمت عملی و اخلاق در عصر تمدن اسلامی مورد توجه قرار گرفت.^۲

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان قرن بیستم میلادی، چند اثر دیگر در زمینه تمدن اسلامی در ایران منتشر شد که فهرست آنها در جدول زیر ارائه شده است:

سال انتشار	نام نویسنده	عنوان کتاب	محل انتشار
۱۹۸۱	سید محمدصادق سجادی	طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی ^۳	تهران
۱۹۸۳	محمد حسینی شیرازی	عوامل تمدن امت اسلامی ^۴	قم
۱۹۸۷	علی اصغر حلبی	تاریخ تمدن اسلام ^۵	تهران
۱۹۹۴	ذکرالله محمدی	نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب ^۶	تهران
۱۹۹۸	مجموعه مؤلفان	گزیده مقالات کنفرانس تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی ^۷	تهران

- همو، «تمدن و فرهنگ در اسلام، عربستان، در آستانه انقلاب»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، س ۳، ش ۳، خرداد ۱۳۴۰.
- همو، «تمدن فرهنگ اسلامی، جهان، آماده تحول است»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، س ۳، ش ۶، مرداد ۱۳۴۰.
- همو، «تمدن فرهنگ اسلامی، پایه استوار تمدن»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، س ۳، ش ۷، شهریور ۱۳۴۰.
- همو، «فرهنگ و تمدن اسلامی، ابزار پیشرفت»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، س ۳، ش ۱۰، آذر ۱۳۴۰.
۱. محمدرضا حکیمی، اندیشمند و نویسنده ایرانی، متولد ۱۳۱۴ (۱۹۳۵ م).
 ۲. حکیمی، محمدرضا، دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.
 ۳. سجادی، سید محمدصادق، طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی، تهران، طهور، ۱۳۶۰.
 ۴. حسینی شیرازی، محمد، عوامل تمدن امت اسلامی، قم، بی جا، ۱۴۰۳ ق.
 ۵. حلبی، علی اصغر، تاریخ تمدن اسلام: بررسی‌هایی چند در فرهنگ و علوم عقلی اسلامی، تهران، اساطیر، ۱۳۶۵.
 ۶. محمدی، ذکرالله، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، تهران، انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ۱۳۷۳.
 ۷. گزیده مقالات کنفرانس تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.

تمدن‌نگاری‌های ترکی

متفکران ترک در زمره نخستین مسلمانانی بودند که به نگارش تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی در دو دهه پایانی قرن نوزدهم دست زدند. اما به نظر می‌رسد توجه به تمدن اسلامی در نیمه اول قرن بیستم همراه با قدرت یافتن جریان ترک‌گرا و غرب‌گرا در ترکیه جدید کاهش چشمگیری یافت، چنان‌که در نیمه اول قرن بیستم اثر درخوری در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی در میان متفکران ترک دیده نشده است. در نیمه دوم قرن بیستم، به موازات توجه دوباره به اسلام در ترکیه، دو اثر قابل توجه در زمینه تمدن اسلامی توسط متفکران ترک نگاشته شد: یکی از این آثار، کتابی با عنوان *تاریخ و تمدن اسلامی ترکان سلجوقی*^۱ که در ۱۹۶۵ م. توسط عثمان توران^۲ نوشته شد که به نوعی فصل مشترک توران‌گرایی و اسلام‌گرایی بود. دومین کتاب در ۱۹۶۸ م. با عنوان *تاریخ تمدن اسلامی*^۳ توسط سلیمان سیری اوچر در استانبول منتشر شد.

تمدن‌نگاری‌های انگلیسی

نخستین متون درباره تمدن اسلامی توسط مسلمانان از سوی متفکران هندی منتشر شد. این آثار عموماً به زبان انگلیسی بودند، چنان‌که امیرعلی دو کتاب *زندگی و تعالیم محمد و روح اسلام* و خدابخش کتاب *مقالاتی درباره تاریخ تمدن اسلامی* را به زبان انگلیسی نگاشتند. پس از این آثار در طی قرن بیستم آثار گوناگونی در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی از سوی متفکران مسلمان نگاشته شد که بخش عمده‌ای از آن متعلق به شبه قاره و آسیای شرقی است. فهرستی از مهم‌ترین این آثار در جدول زیر ارائه شده است:

سال انتشار	نام نویسنده	عنوان کتاب	محل انتشار
۱۹۲۴	مولوی عبدالطیف خان	<i>تاریخچه‌ای تمدن باشکوه اسلامی (مجموعه مقالات)</i> ^۴	—
۱۹۵۴	احمد شلیبی	<i>تاریخ و تمدن اسلام (هفت جلد)</i> ^۵	بیروت (لبنان)

1. Turan, Osman, *Selçuklular Tarihi ve Türk - İslâm Medeniyeti*. Ankara: ötüken neşriyat, 2009.
۲. عثمان توران، استاد تاریخ دانشگاه آنکارا و متخصص تاریخ سلجوقیان روم، متولد ۱۳۳۲ ق (۱۹۱۴ م) و متوفی در ۱۳۹۸ ق (۱۹۷۸ م).
3. sırrı üçer, süleyman, *İslam medeniyeti tarihi*. Istanbul: İrfan Yayınevi, 1969.
4. Abdul Latiff Khan, Moulvi, *A short History of the glorious Moslem civilisation*, Piscataway, Gorgias Press, 2010.
5. Shalaby, Ahmed, *History and Civilization of Islam*, Beirut, Dar al-Kashaf, 1954.

سال انتشار	نام نویسنده	عنوان کتاب	محل انتشار
۱۹۶۵	عبدالرئوف	رنسانس فرهنگ و تمدن اسلام در پاکستان ^۱	لاهور (پاکستان)
۱۹۶۸	سیدحسین نصر	علم و تمدن در اسلام ^۲	ماساچوست (آمریکا)
۱۹۶۹	شیخ محمد اکرم	تمدن مسلمانان در هند ^۳	نیویورک (آمریکا)
۱۹۶۹	ابولحسن علی ندوی، محمد آصف کیدوال	تمدن غربی، اسلام و مسلمانان ^۴	لکنو (هند)
۱۹۷۰	محمود حشاد	آثار منتخب در زمینه تمدن اسلامی عربی ^۵	کویت (کویت)
۱۹۷۶	نیازی برکس	مقالاتی در باب تمدن اسلامی ^۶	لیدن (هلند)
۱۹۷۷	پروین شوکت علی	مبانی فکری تمدن اسلامی ^۷	لاهور (پاکستان)
۱۹۷۹	محمد عبدالجباریگ	اسلام و مفهوم غربی تمدن ^۸	کوالالامپور (مالزی)
۱۹۸۰	محمد عبدالجباریگ	تصویر تمدن اسلامی ^۹	کوالالامپور (مالزی)
۱۹۸۵	حیدر بامیت	مشارکت مسلمانان در تمدن ^{۱۰}	پلینفیلد (آمریکا)
۱۹۸۶	محمد عبدالجباریگ	حکمت تمدن اسلامی ^{۱۱}	کوالالامپور (مالزی)
۱۹۸۸	محمد ابوبکر	مطالعات درباره اسلام و تمدن اسلامی ^{۱۲}	کلرادو (آمریکا)

1. Abdur Rauf, *Renaissance of Islamic culture and civilization in Pakistan*, Lahore, Sh, Muhammad Ashraf, 1965.
2. Nasr, Seyyed Hossein, *Science and civilization in Islam*, Massachusetts, Harvard University Press, 1968.
3. Ikram, Sheikh Mohamad, *Muslim Civilization in India*, New York, Columbia University Press, 1969.
4. Nadvī, Abulḥasan Alī & Mohammad Asif Kidwāl, *Western Civilization: Islam and Muslims*, Lucknow, Academy of Islamic Research & Publications, 1969.
5. Hashad, Mahmoud, *Select Bibliography on Arab Islamic Civilization: And Its Contribution to Human Progress*, Kuwait, Kuwait University, 1970.
6. Berkes, Niyazi, *Essays on Islamic Civilization: Presented to Niyazi Berkes*, Leiden, Brill, 1976.
7. Shaukat Ali, Parveen, *Intellectual Foundations of Muslim Civilization*, Lahore, Publishers United, 1977.
8. Abdul Jabbar Beg, Muhammad, *Islamic and Western Concepts of Civilization*, Kuala Lumpur, University of Malaya Press, 1979.
9. Abdul Jabbar Beg, Muhammad, *The image of Islamic civilization: A compendium of interpretations of the civilization of Islam during the last Islamic century*, Kuala Lumpur, University of Malaya Press, 1980.
10. Bammate, Haider, *Muslim Contribution to Civilization*, Plainfield, American Trust Publications, 1985.
11. Abdul Jabbar Beg, Muhammad, *Wisdom Of Islamic Civilization- A Miscellany Of Islamic Quotations*, Kuala Lumpur, University of Malaya Press, 1980.
12. Abu Bakr, Mohammed, *Readings in Islam and Muslim Civilization*, Colorado, Colorado Muslim Society, 1988.

سال انتشار	نام نویسنده	عنوان کتاب	محل انتشار
۱۹۸۹	نبی بخش خان بلوچ	کتاب‌های مهم تمدن اسلامی ^۱	اسلام‌آباد (پاکستان)
۱۹۸۹	غاده الحجاوی القدومی	علم در تمدن اسلامی عربی ^۲	کویت (کویت)
۱۹۹۰	—	عمان و تمدن اسلامی ^۳	مسقط (عمان)
۱۹۹۴	ضیاءالدین احمد سولری	نفوذ اسلام در تمدن جهان ^۴	لکنو (هند)
۱۹۹۷	غزاله مفید سالو	تمدن اسلامی عربی ^۵	آرلینگتون (آمریکا)
۱۹۹۷	برنارد لویس و دیگران	تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی ^۶	استانبول (ترکیه)
۱۹۹۷	مهد طیب عثمان	تمدن اسلامی در جهان مالایی ^۷	استانبول (ترکیه)
۱۹۹۹	مستعین بن محمود احمد خان	تمدن اسلامی ^۸	کراچی (پاکستان)

محمد عبدالجباربگ، متفکر مسلمان مالزیایی، یکی از متفکرانی است که در دو دهه پایانی قرن بیستم و دهه نخستین قرن بیست و یکم آثار گوناگونی درباره تمدن اسلامی به زبان انگلیسی نوشت.

نتیجه

درحالی‌که تا دهه چهارم قرن نوزدهم میلادی اثری در میان مسلمانان که در آن به مفهوم تمدن اشاره شده باشد، دیده نشده است، از این دهه به بعد در میان آثار نسل اول روشنفکران مسلمان به تدریج شاهد توجه مسلمانان به تمدن کهن اسلامی هستیم و درک اجمالی از تمدن اسلامی در آثار چهره‌هایی چون طهطاوی، تونسوی و سیدجمال به خوبی دیده می‌شود. در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم جنبشی در میان متفکران شبه قاره برای شناسایی تمدن اسلامی

1. Baloch, Nabi Bux Khan, *Great books of Islamic civilization*, Islamabad, National Hijra Council, 1989.
2. Ghadah Hijjawi Qaddumi, *Science in the Arab- Islamic civilization*, Kuwait, Dar al-Athar al-Islamiyyah, 1989.
3. ?????, *Oman & the Islamic civilization*, Muscat, University of Sultan Qaboos press, 1990.
4. Suleri, Ziauddin Ahmad, *Influence of Islam on world civilization*, Lucknow, Royal Book Co, 1994.
5. Sal, Ghezala Moufida o, *The Arab Islamic civilization*, Arlington, El Ghezala Pub, House, 1997.
6. Lewis, Bernard, *İslam Tarihi Kültür ve Medeniyeti*, Çevirmen Kollektif. Istanbul, Kitabevi, 1997.
7. Taib Osman, Mohd, *Islamic Civilization in the Malay World*, Istanbul, Dewan Bahasa dan Pustaka & the Research Centre for Islamic History, Art and Culture, 1997.
8. Ahmed Khan Mustayeen Bin Mahmood, *Islamic civilization*, Karachi, Mustazhar Publications, 1999.

شکل گرفت که به نظر می‌رسد جنبشی پیشرو در میان مسلمانان برای شناسایی تمدن اسلامی بوده است. سلسله جنبان این جنبش امیرعلی بود که در دو کتاب خود، *زندگی و تعالیم محمد و روح اسلام*، به طرح مباحث قابل توجهی درباره تمدن اسلامی و مواجهه اروپاییان با این تمدن پرداخت. پس از امیرعلی، بگرامی کتاب *تمدن اعراب* گوستاو لوبون را به اردو ترجمه کرد که ظاهراً این ترجمه نخستین ترجمه یک تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی غربی توسط مسلمانان است. این جریان در آغاز قرن بیستم با نگارش کتاب *مقالاتی درباره تاریخ تمدن اسلامی* توسط خدابخش به بلوغ رسید.

در دو دهه پایانی قرن نوزدهم دو اثر مهم با عنوان مشابه *تمدن اسلامی* از سوی سامی و وهبی منتشر شد که در زمره نخستین تاریخ‌نگاری‌های تمدن اسلامی از سوی متفکران مسلمان به‌شمار می‌روند. در طی قرن بیستم تلاش متفکران مسلمان برای شناسایی تمدن اسلامی شدت گرفت و آثار متعددی توسط متفکران مسلمان در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی ترجمه و تالیف منتشر شد که بخش عمده این آثار در شهرهایی چون قاهره، بیروت، استانبول، تهران و لاهور منتشر شدند.

منابع و ماخذ

۱. آخوندزاده، میرزافتحعلی، *مقالات*، گردآورنده باقر مؤمنی، تهران، آوا، ۱۳۵۱.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *مقدمه*، ج ۲ - ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، نشر دیجیتال کتابناک، ۱۳۹۰.
۳. ابوالنصر، عمر، *تاریخ الحضارة العربية قبل الإسلام و فی العهد الأموی*، بیروت، منشورات مکتبه هاشم، ۱۹۴۸ م.
۴. احمد یاقی، اسماعیل، *الحضارة الإسلامية وأثرها فی الغرب*، ریاض، مکتبه العبیکان، ۱۹۹۷ م.
۵. أحمد، رمضان أحمد، *حضارة الدولة العباسیة*، قاهره، الجهاز المركزي للكتب الجامعية والمدرسية والوسائل التعليمية، ۱۹۷۸ م.
۶. أحمد، عبدالرازق أحمد، *الحضارة الإسلامية فی العصور الوسطی*، قاهره، دار الفكر العربی، ۱۹۹۰ م.
۷. اسدآبادی، سید جمال‌الدین، «اسناد تاریخی تازه از سید جمال‌الدین اسدآبادی»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، ۱۳۵۱، ش ۶.
۸. الیاس، نوربرت، «تکنیک و تمدن»، ترجمه مراد فرهادپور، *مجله ارغنون*، پاییز ۱۳۷۷، ش ۱۳.
۹. بارتولد، واسیلی، *تاریخ الحضارة الإسلامیة*، ترجمه حمزه طاهر، قاهره، دار المعارف بمصر، ۱۹۶۶ م.
۱۰. _____، *فرهنگ و تمدن مسلمانان*، ترجمه علی‌اکبر دیانت، تبریز، شفق، ۱۳۳۷.
۱۱. باهنر، محمدجواد، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، بی‌جا، ۱۳۵۲.

١٢. بدوى، عبدالرحمن، التراث اليونانى فى الحضارة الإسلاميه، دراسات لكبار المستشرقين، قاهره، مكتبة النهضة، ١٩٤٠ م.
١٣. البرقوقى، عبدالرحمن، حضارة العرب فى الاندلس: رسائل تاريخيه فى قالب خيالى بديع، قاهره، مطبعة المكتبة التجاربه، ١٩٢٣ م.
١٤. بن عامر، توفيق، الحضارة الاسلاميه و تجارة الرقيق، تونس، كليه العلوم الإنسانيه والإجتماعيه بتونس، ١٩٩٦ م.
١٥. تونسى، خيرالدين، اقوام المسالك فى معرفة احوال الممالك، ترجمه ميرزا حيدر على اصفهانى، تهران، كتابخانه مجلس، شماره نسخه ٥٥١١ / ٦٨٦.
١٦. الجميلى، رشيد، الحضارة العربيه الاسلاميه و أثرها فى الحضاره الاوربيه، تونس، جامعه قاريونس، ١٩٨٢ م.
١٧. حداد، جورج، المدخل الى تاريخ الحضاره، دمشق، مطبعة الجامعة السوريه، ١٩٥٨ م.
١٨. حسن، حسين الحاج، حضارة العرب فى العصر الاموى، بيروت، المؤسسة الجامعيه، ١٩٩٤ م.
١٩. ———، حضارة العرب فى العصر العباسى، بيروت، المؤسسة الجامعيه، ١٩٩٤ م.
٢٠. ———، حضارة العرب فى صدر الإسلام، بيروت، المؤسسة الجامعيه، ١٩٩٢ م.
٢١. حسيني شيرازى، سيد محمد، من التمدن الإسلامى، بيروت، دارالصادق، ١٩٧٧ م.
٢٢. ———، عوامل تمدن امت اسلامى، قم، بى جا، ١٤٠٣ ق.
٢٣. حكيمى، محمدرضا، دانش مسلمين، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ١٣٦٣.
٢٤. حلبى، على اصغر، تاريخ تمدن اسلام، تهران، اساطير، ١٣٦٥.
٢٥. داغر، أسعد خليل، حضارة العرب تاريخهم علومهم آدابهم أخلاقهم عاداتهم، قاهره، مطبعة هنديه بالموسكى بمصر، ١٩١٨ م.
٢٦. دورانت، ويل، تاريخ تمدن، ج ١، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات انقلاب اسلامى، ١٣٧٢.
٢٧. راجى الفاروقى، إسماعيل و لويس لميا الفاروقى، أطلس الحضاره الإسلاميه، رياض، مكتبة العبيكان، ١٩٩٨ م.
٢٨. الرافعى، مصطفى صادق، حضارة العرب فى العصور الاسلاميه الزاهره، بيروت، دار الكتاب اللبنانى، ١٩٦٨ م.
٢٩. ———، حضارة العرب، قاهره، الدار العالميه للطباعة والنشر والتوزيع، ١٩٨٨ م.
٣٠. الرافعى، انور، الاسلام فى حضارته و نظمه، دمشق، دار الفكر، ١٩٨٦ م.
٣١. زرين كوب، عبدالحسين، كارنامه اسلام، تهران، امير كبير، ١٣٧٦.

۳۲. زکریا، زکریا هاشم، *فضل الحضارة الإسلامية والعربية على العالم*، قاهره، دار النهضة مصر للطبع والنشر، ۱۹۷۰ م.
۳۳. زيدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۶ م.
۳۴. سالم، السيد عبدالعزيز، *بحوث الإسلامية فی التاريخ والحضارة والآثار*، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۱ م.
۳۵. السامرائی، یوسف صالح، *الموجز فی تاریخ الحضارة العربیه*، بغداد، مطبعة شفیق، ۱۹۵۴ م.
۳۶. سامی، شمس الدین، *مدنیت اسلامیة*، استانبول، مهران، ۱۳۰۲ ق.
۳۷. السباعی، مصطفی، *من روائع حضارتنا*، قاهره، دار السلام للنشر والتوزیع، ۱۹۹۹ م.
۳۸. سجادی، سید محمدصادق، *طبقه بندی علوم در تمدن اسلامی*، تهران، طهور، ۱۳۶۰ م.
۳۹. سرور، محمد جمال الدین، *الظاهر بپیرس و حضارة مصر فی عصره*، قاهره، مطبعة دار الکتب المصریه، ۱۹۳۸ م.
۴۰. _____، *تاریخ الحضارة الإسلامية فی المشرق*، قاهره، دار الفكر العربی للطباعة والنشر، ۱۹۶۵ م.
۴۱. سلامی، نذیر احمد، *اندیشه های اسلامی در سخنان امام ابو الاعلی مودودی*، تهران، احسان، ۱۳۸۸ م.
۴۲. سوسه، احمد، *حضارة العرب ومراحل تطورها عبر العصور*، بغداد، الجمهورية العراقية، ۱۹۷۸ م.
۴۳. سید الأهل، عبدالعزیز، *من حضارة الإسلام*، قاهره، المجلس الأعلى للثئون الإسلامیه، ۱۹۶۶ م.
۴۴. شریعتی، علی، *تاریخ تمدن*، تهران، خانه شریعتی، بی تا.
۴۵. شفیق، منیر، *الإسلام فی معركة الحضارة*، قاهره، دار الكلمة للنشر والتوزیع، ۱۹۸۳ م.
۴۶. شلال، کمال أبوزید، *دراسة فی حضارة الإسلام*، قاهره، دار الطباعة المحمدیه، ۱۹۷۵ م.
۴۷. شلیبی، ابوزید، *تاریخ الحضارة الإسلامية والفکر الإسلامی*، قاهره، دار مکتبه وهبه، ۱۹۶۴ م.
۴۸. صاحب الزمانی، ناصر الدین، *سهم اسلام در تمدن جهان*، تهران، بعثت، ۱۹۷۴ م.
۴۹. صنیع الدوله، محمد حسن خان، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المأثر و الآثار)*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴ م.
۵۰. الطهطاوی، رفاعه رافع، *تخلیص الإبریز فی تلخیص باریز*، القاهره، موقع صفحات، ۲۰۱۱ م.
۵۱. عاشور، سعید عبدالفتاح، *بحوث فی تاریخ الإسلام و حضارته*، قاهره، معالم الکتب، ۱۹۸۷ م.
۵۲. عبدالحفیظ قاضی، صبحی، *قضايا معاصره فی الحضارة الاسلامیه*، بیروت، دار الرائد العربی، ۱۹۸۴ م.
۵۳. العقاد، عباس محمود، *الإسلام والحضارة الإنسانیة*، قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۵ م.
۵۴. _____، *حضارة الإسلام*، بیروت، دار الکتب اللبنانی، ۱۹۷۸ م.

۵۵. علوان، عبدالله ناصح، معالم الحضارة في الإسلام وأثرها في النهضة الأوربي، بی جا، عبدالله علوان، بی تا.
۵۶. فاعور، علی، آفاق الحضرة العربی، بیروت، دار النهضة العربیه، ۱۸۸۰ م.
۵۷. فوکوتساوا، یوکیچی، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، نشر آبی، ۱۳۶۳.
۵۸. قداح، نعیم، حضارة الإسلام وحضارة أوروبا في افريقيه الغربیه، دمشق، مكتبة أطلس، ۱۹۶۵ م.
۵۹. قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۵۴.
۶۰. کحاله، عمررضا، مقدمات و مباحث فی حضاره العرب و الاسلام، دمشق، مطبعة الحجاز، ۱۹۷۴ م.
۶۱. کردعلی، محمد، الإسلام والحضارة العربیه، الجزء الأول، قاهره، مطبعة دار الكتب المصریه، بی تا.
۶۲. الکعاک، عثمان، الحضارة العربیه فی حوض البحر الأبيض المتوسط، القاهرة، جامعة الدول العربیه، ۱۹۶۵ م.
۶۳. گزیده مقالات کنفرانس تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
۶۴. گنجهای، ع، «تاریخ تمدن اسلامی»، مجله آیین اسلام، فروردین ۱۳۲۵، ش ۱۰۵.
۶۵. گویارد، استانیسلاس، سازمان های تمدن امپراطوری اسلام، ترجمه سید فخرالدین طباطبایی، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۶.
۶۶. لحدو، ادیب، حضارة العرب فی الجاهلیه و الإسلام، بیروت، مكتبة صادر، ۱۹۵۲ م.
۶۷. لوبون، غوستاف (گوساتو)، حضارة العرب، ترجمه عادل زعیتر، قاهره، مطبعة عیسی البابی الحلبي و شرکاه، ۱۹۶۹ م.
۶۸. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، بدرقه جاویدان، ۱۳۹۴.
۶۹. ماجد، عبدالمنعم، تاریخ الحضارة الإسلامية فی العصور الوسطی، قاهره، مكتبة الأنجلو المصریه، ۱۹۷۳ م.
۷۰. مالک بن نبی، مشکلة الافکار فی العالم الاسلامی، بیروت، دار الفكر المعاصر، بی تا.
۷۱. مجموعه مؤلفان، موسوعة الحضارة العربیه الإسلامیه، بیروت، المؤسسة العربیه للدراسات والنشر، ۱۹۸۷ م.
۷۲. محمد، أحمد رمضان أحمد، حضارة الدولة العربیه فی عهد الرسول والخلفاء الراشدين والدولة الأمویه، قاهره، الجهاز المركزي للكتب الجامعية والمدرسية والوسائل التعليمية، ۱۹۷۸ م.
۷۳. محمدی، ذکراالله، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، تهران، دانشگاه بین المللی امام خمینی، ۱۳۷۳.
۷۴. محمود ادريس، محمد، تاریخ الحضارة الاسلامیه فی مصر، العصر الفاطمی، قاهره، مكتبة نهضة الشرق، ۱۹۸۶ م.

٧٥. محمود، محمود عرفه و عبدالرحمن محمد العبد الغنی و نایف عبد السهیل، *دراسات فی الحضارة العربیة الاسلامیة*، کویت، مکتبة ابن کثیر، ١٩٩٧ م.
٧٦. المدور، جمیل نخله، *حضارة الإسلام فی دار السلام*، قاهره، مطبعة الموید، ١٩٠٥ م.
٧٧. مظهر، جلال، *حضارة الاسلام و اثرها فی الترقی*، قاهره، مکتبة الخانجی للطباعة والنشر والتوزیع، ١٩٧٤ م.
٧٨. معلوف، لويس، *المنجد*، ج ٢ - ١، ترجمه محمد بنز ریگی، تهران، نشر ایران، ١٣٨٦.
٧٩. مکی، محمد کاظم، *المدخل إلى حضارة العصر العباسی*، بیروت، دار الزهراء للإعلام العربی، ١٩٩٠ م.
٨٠. _____، *بحوث فی تاریخ الحضارة العربیة*، اسکندریه، مؤسسه شباب الجامعه، ١٩٩٧ م.
٨١. _____، *قصه و تاریخ الحضارات العربیة بین الأمس و الیوم*، بیروت، Editio Creps International، ١٩٩٩ - ١٩٩٨ م.
٨٢. واعظ مهاجر، شیخ قاسم آقا، *تمدن الاسلام فی بیان فلسفه الاحکام*، خوی، سنائی، ١٣٥١ ق.
٨٣. وهبی، علی، *مدنیت اسلامیة*، استانبول، مطبعه امری، ١٣٠٨ ق.
84. Abdul Jabbar Beg, *Muhammad, Islamic and Western Concepts of Civilization*, Kuala Lumpur: University of Malaya Press, 1979.
85. _____, Muhammad, *The image of Islamic civilization: A compendium of interpretations of the civilization of Islam during the last Islamic century*, Kuala Lumpur: University of Malaya Press, 1980.
86. _____, Muhammad, *Wisdom Of Islamic Civilization - A Miscellany Of Islamic Quotations*, Kuala Lumpur: University of Malaya Press, 1980.
87. Abdul Latiff Khan, Moulvi, *A short History of the glorious Moslem civilisation*, Piscataway: Gorgias Press, 2010.
88. Abdur Rauf, *Renaissance of Islamic culture and civilization in Pakistan*, Lahore: Sh, Muhammad Ashraf, 1965.
89. Abu Bakr, Mohammed, *Readings in Islam and Muslim Civilization*, Colorado: Colorado Muslim Society, 1988.
90. Ahmed Khan, Mustayeen Bin Mahmood, *Islamic civilization*, Karachi: Mustazhar Publications, 1999.
91. Ameer Ali, Seyed, *The life and teachings of Mohammed*, London: Williams And Norgate, 1873.
92. _____, *The spirit of Islam; or, The life and teachings of Mohammed*, Calcutta: S. K. Lahiri & Co, 1902.
93. Baloch, Nabi Bux Khan, *Great books of Islamic civilization*, Islamabad: National Hijra Council, 1989.
94. Bammate, Haider, *Muslim Contribution to Civilization*, Plainfield: American Trust Publications, 1985.
95. Bartold, VV, *Mussulman culture*, Translated from Russian by Shahid Suhrawardy, Calcutta: University of Calcutta, 1934.
96. Berkes, Niyazi, *Essays on Islamic Civilization: Presented to Niyazi Berkes*, Leiden: Brill, 1976.

97. Flanagan, Tom, *First Nations Second Thoughts*, Quebec: McGill University Press, 2008.
98. Ghadah Hijjawi Qaddumi, *Science in the Arab-Islamic civilization*, Kuwait: Dar al-Athar al-Islamiyyah, 1989.
99. Gowen, H, Herbert, *Histoire de l'Asie*, Paris: Payot, 1929.
100. Guizot, François, *Histoire de la civilisation en France*, Paris: L. Hauman et Cie, 1835.
101. Guyard, Stanislas, *La civilisation musulmane*, PARIS: LIBRAIRE DE LA SOCIÉTÉ ASIATIQUE, 1884.
102. Hashad, Mahmoud, *Select Bibliography on Arab Islamic Civilization: And Its Contribution to Human Progress*, Kuwait: Kuwait University, 1970.
103. Ikram, Sheikh Mohamad, *Muslim Civilization in India*, New York: Columbia University Press, 1969.
104. Khuda Bukhsh, Saahuddn, *Contributions to the History of Islamic Civilization*, Calcutta: Thacker, Spink & co, 1905.
105. Le Bon, Gustave, *La Civilisation des Arabes*, Paris: Librairie Firmin Didot, 1884.
106. Mez, Adam, *Die Renaissance des Islams*, Heidelberg: C. Winter, 1922.
107. Nadvī, Abulḥasan Alī & Mohammad Asif Kidwal, *Western Civilization: Islam and Muslims*, Lucknow: Academy of Islamic Research & Publications, 1969.
108. Nasr, Seyyed Hossein, *Science and civilization in Islam*, Massachusetts: Harvard University Press, 1968.
109. Salo, Ghezala Moufida, *The Arab Islamic civilization*, Arlington: El Ghezala Pub, House, 1997.
110. Shalaby, Ahmed, *History and Civilization of Islam*, Beirut: Dar al-Kashaf, 1954.
111. Shaukat Ali, Parveen, *Intellectual Foundations of Muslim Civilization*, Lahore: Publishers United, 1977.
112. sırrı üçer, süleyman, *İslam medeniyeti tarihi*, Istanbul: İrfan Yayinevi, 1969.
113. Spengler, Oswald, *The decline of the west*, translation by Charles Francis Atkinson, New York: Alfred A. Knopf INC, 1927.
114. Suleri, Ziauddin Ahmad, *Influence of Islam on world civilization*, Lucknow: Royal Book Co, 1994.
115. Taib Osman, Mohd, *Islamic Civilization in the Malay World*, Istanbul: Dewan Bahasa dan Pustaka & the Research Centre for Islamic History, Art and Culture, 1997.
116. Toynbee, Arnold Joseph, *A Study of History*, Oxford: Oxford University Press, 1935.
117. Turan, Osman, *Selçuklular Tarihi ve Türk-İslâm Medeniyeti*, Ankara: ötüken neşriyat, 2009.



شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني